

خروش موحد

در مدرسه کس را بود دعوی توحید منزله بر دامن او حد سردار است

شماره ۴۱

سال چهارم - دوره سوم ☆ ارگان ایدئولوژیک - سیاسی - تشکیلاتی ☆ قیمت ۱۰۰ ریال خرداد ۱۳۶۵

سیاسه و بحث‌هایی پیرامون آزادیها

آزادی و عدالت

نیزبا پشتوانه‌ای قوی و غنی مردمی که برای آن ایجاد مینماید از بازگشت آن به دوران قبل ممانعت بعمل خواهد آورد. با جهتگیری طبقاتی و ضد استثماری نه تنها تحقق مستمر آزادیها و سایر اهداف درازمدت تضمین گردیده و با جلوگیری از پیمان شدن خونهای بناحق ریخته شده ایثارها و فداکاریها و تلاشها... محافظت میشود.

برای تضمین پیروزی اصولی جنبش و همچنین تحقق مستمر آزادیها برخوردار - داری از جهتگیری ضد طبقاتی و ضد استثماری امری اجتناب ناپذیر است زیرا جهتگیری طبقاتی و ضد استثماری در وهله اول با جذب و رها سازی پتانسیل اقشار محروم و مستضعف خلق امکان پیروزی را حتمی ساخته و در مرحله بعد از پیروزی انقلاب

تجرباتی تیره بر مبنای...

- ☆ بررسی اتاق بازرگانی ضد خلق و جایگاه آن در رژیم ارتجاع
- ☆ مدارس خصوصی و اختصاصی بیان دیگر از پلیدی ارتجاع
- ☆ نمونه دیگری از خصلتهای بلبند و منفعت طلبانه آخوندی

شعله جنگ مذهب علیه مذهب را در "سیستم حقوقی" برالروزیم "پایان نبوت" بیا نگر بر رسمیت شناختن عقل صفحه ۱۸

لژسری آموزشهای تشکیلاتی - مبارزاتی ویژگیها و وظایف اخص مسؤل هسته (۱) صفحه ۲۱

اخبار از کانال حسن

- ☆ سنگسار کردن و... نمودهای از فقه ضد خلقی حوزه ها
- ☆ عصیان و اعتراض دانشجویان و کشاورزان علیه رژیم ارتجاع
- ☆ سرکوب دهقانان و حاکمیت دوباره فئودالها توسط ارتجاع
- ☆ چادر و حجاب اجباری برای زنان در نظام ارتجاعی حاکم
- ☆ اخبار مربوط به جنگ
- ☆ وضعیت اسفبار مردم از نظر آذوقه شغل و... در رژیم ارتجاع
- ☆ اخبار از سرکوب و اختناق ضد مردمی ارتجاع



نمبرستونزه نامسالگرد هجرتوشهاد معلم شریعتی : موحدین جخط مشی آگاهی بخش (ادوم و تکامل خط شریعتی) به جنبش نوین فریاد اعتراض را علیه اخراج دستجمعی کارگران بلند کنیم! ند اوم و تکامل راه شریعتی با یاد شریعتی نیزمقالات سه ساله نشریه خروش

مرک بر امپریالیسم ☆ مرک بر ارتجاع

سلسله بحث‌هایی پیرامون آزادیها

۵ - آزادی و عدالت

بخش نخست بحث آزادیها (بمنا به شعار و آرمانی توحیدی) که بدنبال خویش ضرورت بررسی آزادی در اشل وسیع و از جمله پیرامون مفهوم، جلوه های مهم و عینی آن، طرح آزادی برای چه کسانی و چرا؟ را بوجود آورد، در شماره قبیل بیابان رسید، بررسی "آزادی و عدالت"، "آزادی و خط مشی آگاه هیخش"، "آزادی و عدم تاثیر پارامترها هیت وابسته و غیر وابسته رژیم ضد خلقی در مبارزه برای آن" و بالاخره "ضرورت و تلاش در مسیر ایجاد جود مکرراتیک در جنبش" بخش دوم از بحث آزادیها را در بر میگردد، با بررسی رابطه دیالکتیکی میان "آزادی و عدالت" این بخش از بحث آزادیها را شروع میکنیم.

ضداستثماری نه تنها تحقق مستمر آزادیها و سایر اهداف دراز مدت تضمین گردیده و با جلوگیری از پامال شدن خونهای بناحق ریخته شده اینارها و فداکاریها و تلاشها و... به محافظت از دستاوردهای مردمی مبارزه پرداخته میشود بلکه این جهتگیریهای دینامیک و انقلابی باعث میگردد مبارزات ضداستبدادی برای تحقق بخشیدن آزادیها و حتی تلاش بر سر حفظ آزادی در جامعه دمکراتیک پس از ارتجاع، جهت اصلی خویش را با یافته و مبارزه برای آزادی از معنایی عمیقاً جهتدار برخوردار شود خلاصه از دیدگاهی توحیدی هم مشخصترین پیامد مبارزه برای آزادی و تحقق آزادیها باید همان تحقق و برقراری عدالت و قسط، و رهایی اکثریت انسانها از ستم سرمایه و زنجیرهای فقر و طبقات باشد والا با فقدان چنین جهتگیری طبقاتی دوباره سواره های قدرتمند و سرمایه دار با ظاهر آراسته سلطه و حکومت خواهند یافت و سرپایه های محروم زحمتکش که با هزار امید و آرزو در جنبش شرکت نموده و جان فشان - نپها کرده اند همچنان بدون کلاه باقی خواهد ماند و باز دور باطل دیگری از ظلم و ستم و استعمار و استبداد،... به چرخ خواهد در آمد. و لذا جنبش ضدا رتجاعی خلق ما با درسهایی که از فراز تاریخ ۲۲ بهمن ۵۷ آموخته در فسان جدید مبارزات ضداستبدادی

علیه ارتجاع هرگز نباید جایگاه کلیدی و محوری برخوردار از جهتگیری ضداستثماری را فراموش نمود و یا خدشهای به آن وارد آورده و در همین رهگذر راهیان شریعتی و از جمله موحدین انقلابی همواره در عین پرداختن به مبارزات پر شور بر علیه دیکتاتوری و اختناق ارتجاع که مشخصاً بمنظور کسب مرحله ای آزادی با انجام رسا - نیده اند بر روی جهتگیری ضد طبقاتی و ضداستثماری خویش تاکید و اصرار ورزیده اند که به تعارض در کارنامه حرکتی مبارزاتیشان ثبت و ضبط شده است.

البته این امر بدیهی است که برخوردار از جهتگیری ضداستثماری و ضد طبقاتی هرگز بمعنای نادیده گرفتن مراحل انقلاب نیست و لذا ضمن خدشه دار نشدن جهتگیری طبقاتی در عین حال باید پروسه رشد مراحل انقلاب مورد توجه نیروها قرار داشته باشد. در مرحله کنونی و یا در مراحلی که بر علیه ارتجاع نقش ضروری و یا بنیادین در سرنگونی آن داراست میتوان بمنظور هموار ساختن مسیر و یا بجا طور وسعت بخشیدن به سطح حرکت، انرژی و توان بیشتری را صرف مبارزه با دیکتاتوری نمود اما باین مسئله باید در حد همان تاکتیک، یعنی تاکتیک عمده نکردن مبارزه ضداستثماری آنهم در همان مراحل خاص و نه مطرح ساختن و بهیوته فراموشی سپردن بهسأ داده شود. بویژه که زمان انتخاب

این تاکتیک کاملاً اجتهادی و موکول به شرایط و امکانات میگردد یعنی تنها با توجه به پارامترهای شرایط اجتماعی، اقشار مردم، امکانات، نیروهای مخالف و توانمندی - های درونی، ذهنیت توده ها و نیروهای جوان و وسعت نفوذ مردمی و... است که میتوان بصورت مرحله ای شعارهای ضداستثماری را فقط رقیق تر (ونه حذف) کرد تا سر بگذرد بتوان به نبرد با سد عمده (استبداد حاکم) پرداخت بدون آنکه در مراحل مذکور ضمن به تعویق افتادن و به آینه شده موکول شدن مبارزات طبقاتی، به جهتگیری طبقاتی انقلابی حتی مختصر خدشهای وارد آید. بخصوص که بر اساس تجارب انقلابی، مبارزات حاد طبقاتی در طی مراحل مختلف انجام میشود در قیل از انقلاب به صورت جهتگیری ضد طبقاتی و ضداستثماری و بعد از پیروزی با در پیش داشتن استراتژی مبارزات طبقاتی - اجتماعی و با عمده شدن شعار عدالت و برابری در آن مرحله که به استراتژی اصلی مبارزه مبدل میگردد.

جهتگیری طبقاتی همواره در سرلوحه مبارزات ضداستبدادی و دمکراتیک ما میباشد و اساساً هدف بعد از نیل به دمکراسی تحقق برابری است، ولی باید در مرحله مبارزات ضدا رتجاعی حاضر شعارها و مبارزات ضداستبدادی را از غلظت بیشتری

جهتگیری ضد طبقاتی و ضداستثماری ضامن بقاء و رشد انقلاب

برای تضمین پیروزی اصولی جنبش و همچنین تحقق مستمر آزادیها برخوردار از جهتگیری ضد طبقاتی و ضداستثماری امری اجتناب ناپذیر است زیرا جهتگیری طبقاتی و ضد استثمار در وهله اول با جذب و رها سازی پتانسیل اقشار محروم و مستضعف خلق امکان پیروزی احتمسی ساخته و مرحله بعد از پیروزی انقلاب نیز با پشتوانه قوی و غنی مردمی که برای آن ایجاد مینماید از بازگشت آن به دوران قبل ممانعت بعمل خواهد آورد، با جهتگیری طبقاتی و

خط مشی آگاهی راه نجات خلقهاست

برخوردار سا زیم، با تاکید بر این پشتوانه که همواره جهت گیری ضد استثماری و ضد طبقاتی - ما را حفظ نموده و البته مبارزات طبقاتی و اجتماعی را در طی مراحل مختلف مبارزات دراز مدت و پویای ما، به پیش بریم در حالیکه برخی نیروها با عمده کردن مبارزه ضد - استبدادی (که البته در حال حاضر سلوچه کار ما نیز بر آن پایه استوار است - با پشتوانه - های برخورداری از جهتگیری ضد استثماری و ضد طبقاتی در قبل از پیروزی و برنامهریزی در راستای شکل ورهبری مبارزات طبقاتی و اجتماعی در آینده) نه فقط به رقیب کردن مبارزه و جهتگیری ضد طبقاتی پرداخته اند - که البته چنین گامی منطقی به نظر میرسد - بلکه یکسره به حذف شعار - ها و جهتگیری ضد استثماری مبادرت ورزیده اند. آنان عموماً

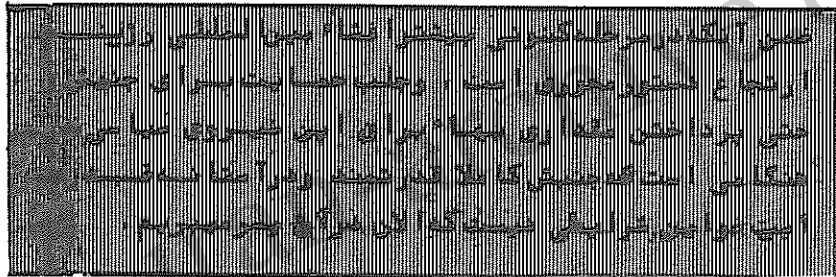
برای توجیه چنین اقدامی در روند مبارزاتشان ضرورت برخورداری از حمایت اقشاری از مردم و حمایت بین المللی را عمده مینمایند. در حالیکه اولاً: وقتی انقلاب جهتگیری طبقاتی خویش را از دست بدهد مبارزه ضد استبدادی برای تحقق آزادی بدون برقرار ساختن عدالت معنا نداشته و به حاکمیت سرمایه داری منتهی میشود. همین اصل در رابطه با یک سازمان و یا جریان صدق میکند وقتی جریانی جهتگیری طبقاتی و ضد استثماری خویش را از دست داده باشد خواسته یا ناخواسته و در گذر زمان استحاله پیدا کرده و با از دست دادن انگیزه های انقلابی ضد استثماری با کاهش شدید آن در تحقیق پروسه حاکمیت مجدد، سواره ها برپایه ها سهیم میشوند و

حما سه ها و فداکارهای بسیاری که در راه آزادی نهی بزرگ مردم ایران صورت گرفته، را به بدر میدهد. ثانیاً با حذف جهتگیری و شعارهای ضد طبقاتی امکان جذب میزان بسیار محدودی از اقشاری - که تازه از مقدار تحرک سیاسی و تا شیر گذاری اندکی بر روی مبارزات ضد ارتجاعی برخوردارانند - وجود دارد و حال آنکه این اقشار از توان - مندی مبارزاتی برخوردار نیستند و علاوه حذف شعارها و جهتگیری ضد طبقاتی باعث جدا شدن پتانسیل پربسار و شکوفای بخش بسیاری از اقشار و عناصرا اجتماعی از جنبش و نیروی مذکور میگردد و این اقشار بلحاظ عدم جهتگیری

طبقاتی - مردمی و ضد استثماری از جنبش و نیروها مایوس میشوند. و لذا از نظر ما هرگز نباید ترجیح دادن پتانسیل و توانمندی اندک اقشاری محدود در مبارزه با عت جدا شدن پتانسیل پربار و عظیم اقشار وسیع اجتماع گردد و انقلاب و نیروها موظف به جذب این پتانسیل وسیع مردمی میباشد. ثالثاً از نظر جلب حمایت بین المللی (که شرط نه مبناست - مبنای نیروهای مردم اند) وقتی یک نیرو و یک جنبش از نظر داخلی و توده ای رشد کند جبراً خود را بر همه نیروها و محافل بین المللی تحمیل خواهد کرد. ضمن آنکه در مرحله کنونی بیشتر افضاء بین المللی رژیم دستور محوری است، و جلب حمایت

برای جنبش و حتی پرداختن مقداری بهاء برای این نیروی کمکی - سیاسی، در هنگامی است که جنبش کاملاً قدرتمند و در آستانه قدرت است، و این شرایطی نیست که الان در آن بسر میبریم.

"ارتباط دیالکتیکی و جدایی ناپذیر آزادی و عدالت"
میان آزادی و عدالت ارتباط دیالکتیکی و جدایی ناپذیری وجود دارد و این ارتباط تا بدانجا حساس است که تحقق یکی را بدون دیگری بدون محتوا و اساساً غیر ممکن می سازد و بلافاصله پس از به فراموشی سپردن و یا نادیده

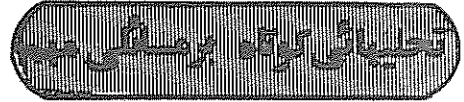


گرفتن یکی با دیدرانتظار فراموشی و یا نابودی آن دیگری هم بود. از بدون معنا بودن عدالت منهای آزادی و یا آزادی منهای عدالت همین اندازه پس که معلم میگوید: "عدالت بی آزادی و عشق - زندگی گله وار - چه میگویم؟ گوسفند در اصطبلهای مدرن دامتاری پیش رفته است (تازه اگر عدالت راستین و مطلق باشد، و آزادی بی عدالت و عشق، لاش بازی است و تنها در آزادی تجارت و آزادی جنسی تحقق دارد." اگر قرار باشد آزادی بدون برقراری عدالت تحقق پذیرد تنها به نفع سرمایه داران و سواره ها و... و در نهایت به حکومت یافتن رژیم بورژوازی و سرمایه داری منتهی میشود و بالعکس اگر قرار باشد عدالت بدون آزادی

برقرار شود با بزرگترین آرمان و نیاز اجتماعی - انسانی به بوته فراموشی و نابودی سپرده خواهد شد که نتایج فاجعه آمیز بیشماری با خود به همراه خواهد داشت.

اما مسئله به همینجا خاتمه نمی یابد با نادیده گرفتن و یا اساساً کمبر برای نابودی آزادی بستن، برقراری عدالت هم هیچ تضمینی نخواهد داشت و بالعکس عدم برقراری عدالت به محو و یا یمال گردیدن آزادی منتهی میشود. اگر رژیم حاضر به برقراری عدالت نباشد متعاقب آن در برابر عکس - عملهای توده ای آزادی را نیز با زور و سرکوب و سرنیزه و با حیل و فریب با زپس خواهد گرفت و یا اگر آزادی نباشد رژیم بی پایگاه توده ای خواهد گشت (که این خود زمینه ساز وابستگی است) ایندو خود سه های عمده عدالتند "اگر کسی نان شمارا بگیرد، با همین کار

آزادی شما را هم گرفته است. اگر کسی آزادی شما را بر باید مطمئن باشید که نان شما نیز در معرض تهدید است زیرا نان شما وابسته به خود شما و مبارزه شما نیست، بلکه وابسته به میل ارباب است." بهمان نسبتی که آزادی در جهان واپس میشیند تیره بختی گسترش می یابد و برعکس، و اگر این قرن نا آرام نکتای به ما آموخته باشد، جز این نسبت که انقلاب اقتصادی یا با آزادی همراه است یا اساساً انقلاب نیست. چنانکه آزادی نیز با آزادی اقتصادی (رهائی از غم نان است) یا اساساً هیچ نیست "لارست بدلیل ضرورت وجود ارتباط دیالکتیکی میان آزادی و برابری و نیز نبرد برای هر دو آرمان است که رژیمهای ضد خلقی و از جمله رژیم ارتجاع از ارتباط پیوند میان اقشار محروم، کارگران بقیه در صفحه ۲۲



★ نمونه دیگری از خصلتهای پلید و منفعت طلبانه آخوندی

هما نظر که حضور آخوندیسم در تاریخ همواره با خصلتهای سرکش و لجام گسیخته فردی این قشر توأم بوده پس از سلطه تحمیلی ارتجاع نیز نشانه‌های بازتزو و فضا تحت بار تری از خصلتهای آنان در ایجاد وسیعی تجلی یافته است خصلتهای پلیدی چون راحت طلبی - خود خواهی و غرور و حسادت - جاه پرستی و مقام جوئی - فخر فروشی - فرصت طلبی و امتیاز طلبی و... که عرصه فعالیت خط مشی انقلابی مبارزاتی آگاه هیبخش را در بعد هر چه رسوا تر نمودن و افشاء سازی رژیم ارتجاع گسترده ترمینماید و با شعله ور کردن آتش کینه‌های مقدس مردمی در جای جای کشور اسیر - مان در چینه‌های بیشتری به منظور سربرد و مبارزه مستمر بر علیه رژیم در میان اقشار وسیعتر مردم میگشاید.

قشر با زر و روحانیت سردر - آخور قدرت شاهان و طبقات استثماترگر فئودال و بورژوا همواره با برخورداری از زندگی مرفه و اشرافی به توجیه حاکمیت ظلم و ستم پرداخته و ابراز اسارت و فشار را بر توده‌ها فراهم آورده و با اساسا خود از جمله ملاکین و فئودالها بوده که بطور مستقیم به استثماتر مبارذت میورزیده است. داستان زندگی اشرافی شاه فضل الله نوری متحد شاه و ملاکین و مالک بزرگ با سفره‌های رنگین، باغات و مستغلات و زمینهای پهناور

و کالسه‌هایی که حتی از نظر شمایل ظاهری کالسه‌های درباریه گرد پای آنها نمیرسیدند از آن جمله میباشند و همچنین سرگذشت تاریخ ایرانیمان صحنه‌های بیشمار دیگری از شکم چرانیها و شهوت رانی‌ها و شهرت پرستی‌ها و سایر خصیصه - های پست حیوانی روحانیون همدست با شاه و قدرتهای اقتصادی و سیاسی با خود به همراه دارد که در سربزنگاه با ظاهرنمودن آنان فضا حسرت بیشتری را برای تمامی اسلام پناهان دروغین پبار آورده است. و حال این قوم به قدرت رسیده که هم خونریزترند و استثماترگروهم آخوندتزویری، یک تنه بجای هر سه شریک شرکت سهامی زر و زور و تزویر، نقش ایفاء مینمایند و هر چه بیشتر در گرداب فساد آلودگی های فردی فرورفته و میروند و در نتیجه بهمراه بن بست فقهی و سیاسی در اندیشه و حکومت و خصلتهای فردی نیز عرصه‌های از فساد برجای نمانده که حضرات آنرا امتحان نکرده باشند! آنان در تاریخ کشور ما با اختلاشها - رشوه خواریها - پارتی بازیها و انواع و اقسام فسادهای دیگری که در طی سالهای اخیر بدان پرداخته اند کارنامه سیاه خصلتهای آخوندی را پر کرده اند، اختلاس حاکم شرع شهرداریها - کاخ مجلل کباب - های زعفرانی شده مجالس میهمانی‌های خائنه‌ای - به همراه

بگردن اسکورت و خدمه و آدمهای آقا "و... تنها بخشی از خصلتها و مرضهای حضرات تازه به دوران رسیده را تشکیل میدهد و به همراه خویش آچار چپا و لگریها و زدوبندهای درونی را از پرده به بیرون می اندازد و الا اوج فسادهای درونی در نموده‌های بارزتر - کوچک و بزرگ دیگری را باید در سیستم باربندی و جزئیات ریزتر زندگی شاهانه و... آنان جستجو کرد. رژیم سرکوب و تزویر ارتجاع که روحانیت در آن بر خمراد سوار است، تاکنون امتیازات صنفی و قشری بیشمار را بدانها داده است دادگاه ویژه معممین که خمینی دستور تشکیل آنرا صادر کرد، دخالت در کلیه امور جاری کشور، قبضه مجلس خبرگان، قبضه مسند حاکم شرع بیدادگاهها، حضور در مسندهای بالا بدون گذرانیدن مقاطع تحصیلی حتی دیپلم، وزارتها، وکالتها و ریاستها و... قسمتی از امتیازات داده شده میباشند که بقیه را نیز خودشان میتوانند با قدرت مداری که پیدا کرده اند تکمیل نموده و با دست و بال فراخان در هر عرصه‌ای از این میهن به چنگ اندازی بپردازند "الیحه برقراری حقوق وظیفه و مستمری نمایندگان مجلس و عا ثله تحت تکلف آنان در قبال حوادث و سوانح" که در ۶۵/۱/۱۶ به تصویب مجلس رسید و تئیز "ضمیمه کردن قم به استان

تهران و جدا سازی آن از استان مرکزی" از دیگر امتیازات ویژه میباشند که آخوندها برای خودشان دست و پا نموده اند. بر اساس لایحه نخست نمایندگان مجلس و عا ثله تحت تکلف آنان در مقابل حوادث و سوانح بیمه میشوند، بدان معنی که بسر اساس ماده ۱: "هرگاه نماینده‌ای، در دوران نمایندگی خود به درجه رفیع شهادت برسد و یا فوت نماید و یا معلول شود، به نحوی که قادر به انجام وظایف نمایندگی نباشد - مقرری ماهانه‌ای که بر ابرحق - ثبات نمایندگی اوست، (دقت کنید) بعنوان حقوق وظیفه، به عا ثله تحت تکلف قانونی وی و یا خود نماینده حسب مورد پرداخت میشود. "و خلاصه باتوجه به سایر تبصره‌ها و مواد، نماینده و عا ثله اعم از زنان و فرزندان و نوادگانش میتوانند با استفاده از این لایحه و امتیازات ویژه ناشی از آن براحتی در شان مقام آخوند حکومت ارتجاع امرار معاش و زندگی نمایند و حال آنکه کارمندان و کارگران و افرادی که حقوق مستمری بازنشستگی دریافت میدارند حتی به میزان کوچکی از چنین پشتوانه و یا امتیاز ویژه‌ای برخوردار نیستند زیرا از یکسو همواره در معرض خطر ناشی از باز خرید و یا اخراج قرار دارند و از سوی دیگر حقوق بازنشستگی کارمندان و کارگران

سزنگون با رژیم استبدادی استثماری ارتجاعی حاکم

تنها به میزان ۸۰۰ الی ۲۰۰۰ تومان از تمامی حقوق آنان میباید و حال آنکه نمایندگان و عاقله بیمه شده آنان میتوانند از تمامی حقوق نمایندگی آنهم بدون هیچ کسری بهره برداری کنند. و این اقدام یعنی نه تنها تورم و فشارهای ناشی از گرانی و بحرانهای اقتصادی باید بردوش اقشار مردم سنگینی نماید بلکه حتی باید از همه جا کسر شود تا این هزینه ها نیز به مصارف خصلتی حضرات برسد و جیبهای گشاد آنان را از مال اندوزی و ثروت سرشار کند "۲"

نکته دیگر به "زمان" تصویب لایحه فوق مربوط میشود لایحه برقراری حقوق وظیفه مستمری نمایندگان مجلس و عاقله تحت تکلف آنان در برابر حوادث و سوانح با فرصت طلبی و وقت شناسی خاصی که آخوندیسم خوبی بر آن مسلط میباشد!

چند روز پس از سقوط هواپیمای دوم اسفند برای بحث به مجلس آورده شد. نمایندگان با استفاده از فرصت طلبی یعنی ما برای سقوط هواپیمای دوم اسفند که در طی آن ۸ تن از آخوندهای نماینده مجلس به هلاکت رسیدند در اولین روز جلسه عمومی بعد از تعطیلات ۱۶ روزه سال ۶۵ با تصویب لایحه فوق شرایط راحتی و رفاه برای خود و عاقله شان را فراهم آوردند که از تلاش دامنه دار آنان در مسیر امتیاز طلبیهای ویژه ناشی میشود.

الحاق شهر قم به استان تهران هم از دیگر امتیاز طلبیها و قائل بودن حق ویژه برای روحانیون است که بمنظور برخوردار ساختن هر چه بیشتر آنان از امکانات ویژه پایتخت ارتجاع بدان پرداخته شد.

امتیاز افزون خواهی روحانیون نمود مشخصتر دیگری از ماهیت پلید و فاسد مرتجعین

حاکم را بر ملا میسازد که بیرون مشی مبارزاتی انقلابی آگاه هیبخش با استفاده از آن باید آتش کینه و خشم مردم نسبت به ارتجاع را شعله ورترا سازند تا تا زمینه های لازم برای گسترش و بر بارتر کردن جنبش ضد ارتجاعی از این طریق فراهم آید و لذا عناصر رزمنده آگاه هیبخش وظیفه دارند به افشاء ماهیت و خصلتهای پلید و شمارش ناپذیر روحانیون بپردازند و با یاری جستن از این طریق به حیثیات تاریخی روحانیون که با فساد و پلیدی و آلودگی توأم بوده برای همیشه خاتمه دهند.

پا و رقیها :
 ۱- رجوع کنید نا مه هشت صفحه ای جمعی از نمایندگان مزدور مجلس به خا منهای که در رابطه با جنگ قدرت داخلی منعکس کننده گوشه ای از خیا نتهای درونی رژیم است که

توسط موحدین انقلابی افشاء گردیده است .
 ۲- برخی از نمایندگان مزدور خود در این رابطه چنین اعتراف کردند :
 "تصویب این پیشنهاد امتیازی است که تنها بخاطر نمایندگان داده میشود ."
 "از آن جهت که اکثر نماینده گان شغل دیگری دارند که درآمد عمده آنان را تا میسر میکنند پرداخت میزان دوسوم حقوق برای وارثان کافی است این مسئله که نمایندگان را همدردی قربانان قرار بدیم عادلانه نیست ."
 "شما فکر میکنید وضعیت کارمندان چگونه است ؟ اگر کارمندان دچار آسیب دیدگی بشوند ، حقوق کامل میگیرند که نمایندگان از چنین حقی برخوردار باشند .؟! "

☆ مدارس خصوصی و اختصاصی بیان دیگر از پلیدی ارتجاع

بار دیگر رژیم استبدادی ارتجاعی حاکم ماهیت پلید و تبعیض گرایانه و حاکمیت روز افزون گرایش سوپر راست حوزه ای را در تصویب لایحه ایجاد مدارس خصوصی برای اقلیت پولدار نشان داد. رژیم ارتجاعی نه تنها در سیستم اقتصادی جامعه جنگزده مان به استثمار روحشانه و اعمال قوانین ضد خلقی و کوبیدن چماق فقه و شرع ناب آخوندی بر سر محرومین و رنج دیدگان اقدام میکند ، بلکه با تبعیض و تفاوتهای فرهنگی و امکانات بیشتر را در اختیار محصلین و معلمین این مدارس گذاشتن ،

گاههای پلیدتری از پلیدی و تبعیضات اجتماعی را در ابعاد فرهنگی طی مینماید . تبدیل برخی مدارس دولتی به خصوصی و ایجاد مدارس غیرانتفاعی! و غیردولتی که نمودار تمام عیاری از ظلم و ستم اجتماعی - فرهنگی و تبعیض میان انسانهاست بنا بر مصلحتها و منفعتهای بی که برای رژیم ارتجاعی در پی دارد صورت میگیرد که با ریزبینی و توجه کافی به علل و دلایل آن بیشتر میتوان هویت اصلی ارتجاع را مشاهده کرد و به ترفندهایش برای پیاده کردن اهداف طبقاتی و تبعیض گرایانه و تا میسر

بودجه برای فرور بردن در کام مرگ جبهه ها برد .
 از مهمترین علل طرح چنین مسئله ای کمبود شدید بودجه است رژیم ارتجاعی برای اینکه بودجه کلان سیری ناپذیر هیولای جنگ را تا مین کند هر روز موضوعات و طرحهای ضد خلقی جدیدی را وارد عرصه اجتماع مینماید "۱" که یکی از آن بیشمار طرحهای ضد مردمی و استثمارری (اینبار استثمار فرهنگی) همین ایجاد مدارس خصوصی میباشد مدارس خصوصی که بعد از انقلاب دولتی شده بودند بعد از گذشت چند سال که رژیم ارتجاعی به استحکام

پایه های قدرت پرداخته و بینش ضد مردمی و فقهی و شرعی حامی سرمایه داری و طبقات در صحنه اجتماع رخ نموده ، برای حفظ نظام پلید خود و ایجاد رفاقت و همزیستی مسالمت آمیز میان خود و طبقات استثمار کننده و سرمایه دار و مصالح جنگ و کسب بودجه برای استمرار آن خواست و عمل مردم در اوایل انقلاب را لغو کرده و با لگد زدن و پشت نمودن به آن بیش از پیش در لجنزار عفن پیوند ضد مردمی میان خود و بورژوازی فرورود و ورطه های تازه ای از تبعیض و ستم اجتماعی بر خلق محروم روارود .



از سوی دیگر آخوندهای پلید برای حفظ پرستی‌مزد اجتماعی و بواسطه شسروت و قدرت با آآورده فرزندان خود را نیز به این مدارس فرستاده و میفرستند. بهروزی عضو مجلس آخوندی میگوید: دوطرز فکر است که با لخره عسدهای میخوانند در مسئله فرهنگ فرزندان نشان دخالت داشته باشند و ببینند بچه‌هایشان کجا درس میخوانند و از افتخارات این مدارس که مدارس خوبی هم هستند فرزندان شهدایی مثل شهید بهشتی و شهید باهنر در همین مدارس تحصیل کردند و جوانان خوبی تربیت شدند.

(۶۵/۱/۲۵)

جوهره بینش سوپرراست ارتجاع با خمیرمایه تبعیض و تمایز میان انسانها آغشته شده است در دیدگاه حضرات همان طور که در مسائل اقتصادی میدان برای تاخت و تاز و چپاول سرمایه‌داران و پولدارها باز است و آزادی عمل کامل برای استثمار و رشد اقتصادی و انباشته نمودن پول روی پول دارند به همان میزان هم میدان فعالیت فرهنگی برای استعداد داران (= بچه پولدارها و بچه آخوندها) باز مییابد.

ارتجاع پلید عملاً با تمایز و تفاوت قائل شدن میان نیروهای بالقوه و استعداد داران و تفکر علمی میان نسل جوان و

حما رکشیدن پیرامون آزادی رشد اندیشه‌ها و پیشرفت علمی و تکنیکی جوانان جلوی هر گونه به با لفعول رسیدن و پتانسیل عظیم استعدادها و شکوفایی ابتکارات و خلاقیتها و تفکر علمی جوانان با استعدادها و پرمغزها مابسی پول را سد مینماید و در حقیقت دل بی‌درد ارتجاع برای پر استعدادها نسوخته است بلکه مرزایی تمایزات طبقاتی است که تبعیضات فرهنگی و تمایزات استعدادها را مشخص میکنند و ملاک استعداد را در عرصه بینش و عمل حضرات آخوندها - مرفه بودن و تمکن مالی داشتن و بچه یک شخصیت خرپول بودن (شخصیت یا نمای پول دار یا آخوند) تعیین میکند.

اکرمی وزیر خاثن آموزش و پرورش میگوید: "ما مخالفتی با این امر نداریم که مدارس ویژه‌ای برای دانش آموزان با استعداد ایجاد شود که بتوانند آنها را متناسب با استعدادشان آموزش بدهند در این مدارس فقیر و غنی نمیتوانند آموزش ببینند". خود این عوام فریبان نیک میدانند با توجه به هزینه سرمایه و آور این مدارس هیچگاه بچه‌های فقرا نمیتوانند در این مدارس راه یابند. ارتجاع نه تنها حق نفس کشیدن به محرومین جامعه مان نمیدهد بلکه استفا ده طبیعی فرزندان

* * *

محرومین از استعدادها ی سرشاران راهم دریغ میدارد همچنین از آنجا ثیکه حقوق معلمین بسیار کم است و هیچ گونه امکانات رفاهی و شغلی در اختیار اینان قرار نمیدهند بالطبع اکثر معلمان جذب مدارس ویژه پر استعداد میشوند تا از حقوق و مزایای بیشتری سود جویند. در همین رابطه اکرمی اعتراف میکند: "سال گذشته در همین آموزش و پرورش تهران ۱۲۰ نفر از معلمان مدارس فنی و حرفه‌ای کارشان را رها کردند و به بخش خصوصی رفتند چون این قبیل مدارس یک مقدار بیشتر حقوق و امکانات میدهد (۱/۲۵) پس در مجموع کمبود بودجه و بحران اقتصادی رژیم ورشد روز افزون حاکمیت گرایش سوپر راست فقهی و حوزه‌ای و از سویی خصلتهای پلید طبقاتی آخوندها جهت نه تنها خصوصی بلکه اختصاصی کردن مدارس ویژه برای فرزندان نشان ارتجاع را بر آن میدارد تا با تصویب و اجرای قوانین ضد خلقی ماهیت کثیف و طبقاتی خود را بیش از پیش به نمایش گذارد." وظیفه انقلابی نیروهای مبارز و آگاه جنبش است که با افشاء ترفندهای متنوع ارتجاع برای تامین هزینه سیری نا پذیر جنگ میهن و مردم بر باد داده که نشا نگر خیر مایه فکری رژیم در عرصه مسائل

* * *

اجتماعی - سیاسی است فزونتر از پیش چرخ جنبش انقلابی آزادی بخش را سرعت بخشند. رسوا و افشاگری ایجاد مدارس خصوصی و اختصاصی که بیانگر بینش تبعیض گرایانه و تمایز میان استعدادها ی جوانان و استثما فرهنگی فرزندان محرومین "کاستی" کردن آموزش و بهره‌بری نگرانانه فرزندان آخوندها از امکانات عمومی مییابد از وظایف هر انقلابی دردمند است.

* * * * *

پا و رقیها:

۱- از همین قبیل اند برگرداندن کارخانه‌ها به صاحبان فراری شان، اخراج دسته جمعی کارگران، تعطیلی کارخانجات، گرفتن مالیات های نامرئی و غیر مستقیم از مردم با گران کردن کالاهای عمومی و حذف سوبسید و...
۲- یک نکته قابل دقت دفاع تمامی مسئولین بالای رژیم از این طرح مییابد. دفاع مریح رفسنجانی و خا منهای نیز هم بینش ارتجاعی و هم از خواست خصلتی (و تبعیض شرک آلود) برای فرزندان خود و هم از خوش رقصی و خود شیرینی در برابر جناح سوپر راست رقیب نشا ت میگیرد.

☆ بررسی اتاق بازرگانی ضد خلق و جایگاه آن در رژیم ارتجاع

ماهیت و عملکرد آنان در مباحثی تحت عنوان "تکیه گاه - ها و پایگاههای رژیم ارتجاع" - "نهادهای نامرئی تصمیم گیری و شاخکهای اجرائی آن" و... پرده افشا است.

که خواسته‌های رژیم را برآورده ساخته و مقاصد و برنامهای سرکوبگرانه و جنگ طلبانه اش را با انجام میرسانند. "نشریه خروش موحد" نیز تا کنون به منظور آشنایی عنا صر و هسته‌های انقلابی و موحد به بررسی

تا با اتکاء بدانها برنامه‌های مذلت بارش را به مردم ایران تحمیل و از آنان بمشابه آلت قتاله ظلم و جورش یاری جوید ارگانهای نظیر سپاه و کمیته‌های ضد مردمی و بنیاد با صلاح شهید و... همان نهادهایی اند

رژیم پلید ارتجاع برای پیاده نمودن اهداف استثماری استبدادی، و استحماریش، ارگانها و نهادهای ستم و ظلم را برپا داشته و با مراکز گذشته که هم جهت با منافع خودش میباشد دوباره سلطه بخشیده است

اما در میان تمامی ارگانها و نهادهای سرکوب و استثمار و استثمار، بررسی مستقلی پیرامون "اطاق بازگانی و صنایع و معادن" بلحاظ بهره-مندی این مرکز از ابعاد استثماری و اسارت آوراهمیت ویژه‌ای دارا می‌باشد. این نهاد محل تمرکز سرمایه‌داران بهره‌کش و چپا و لگری است که در طی سالهای معدود گذشته با به جیب زدن ارقام درشت و کلان، پول و مایملکی با اندازه تمامی سالهای حاکمیت رژیم شاه اندوخته‌اند و با حمایت و هدایت اطاق مذکور به قدرتها و قطبهای چپا و لگری اقتصادی در کشور ما مبدل شده‌اند و اطاق بدانها نفوذ و قدرت اقتصادی سیاسی از یکسو و قدرت شرعی و قانونی از سوی دیگر بخشیده است. و لذا آشنایی با ماهیت و عملکرد اطاق بازگانی و صنایع و معادن نه تنها گام دیگری در راستای شناخت نهادهای رژیم ارتجاع است بلکه این بررسی موجب افشای سازی استثمار و چپا و لگری خلق توسط باندهای سرمایه‌داران حاکم بر اقتصاد کشور میگردد که البته بطرز سیستماتیک و با برنامه ریزی در رابطه با مسائل اقتصادی و سیاسی وارد عمل شده‌اند. از آنجا که ارتجاع با اعاده دوباره حیثیت بخش خصوصی، به اطاق بازگانی و صنایع معادن اقتدار بخشیده و اعضاء اطاق بلحاظ تمایل به قدرت یابی در امور سیاسی، در روند مسائل سیاسی و درونی رژیم تا شیر بر جای میگذارند لذا به "بررسی اطاق و جایگاه آن در رژیم ارتجاع" و "مکانیسم عمل اطاق بازگانی و صنایع و معادن خواهیم پرداخت .

بررسی کلی پیرامون اطاق و جایگاه آن در رژیم ارتجاع

اطاق بازگانی مرکز امن استثمار و وابستگی اقتصادی:

عمر اطاق بازگانی به ۵۷ سال پیش میرسد اما با سازی دوباره این مرکز برای تجار و سرمایه‌داران به تصویب شورای باصلاح انقلاب و مجلس ارتجاع رسیده و آنگاه اطاق کارش را آغاز کرده است. در حال حاضر ریاست اطاق بازگانی علی صنایع و معادن برعهده "علی نقی خاموشی" از جمله تجار با نفوذ و ثروتمندان با اقتدار بازار است که به همراه سایر شجره بورژوا تجاری وابسته به رژیم "سیدالله عسکری ولادی" به معاون اطاق رئیس بازگانی (برادر حبیب الله عسکری ولادی) به حمایت و تامین منافع سرمایه‌داران و تجار میپردازند بخصوص که هر دو نفر پس از تاثیر پذیری از حرام سونای برادران سودجو و چپا و لگرتان" از سایرین ممتاز شده و پس از طی مراحل به سمت "هدایت و حمایت بخش خصوصی" نایل آمده‌اند.

بنابراین تعریف هفته نامه اطاق، اطاق بازگانی و صنایع و معادن، مرکز مشورتی و هماهنگ کننده و رابط میان دولت و افراد و شرکتها و کارخانجات و واحدهای تولیدی و بهره برداری غیردولتی از معادن و ... که به موجب قانون تجارت فعالیت کرده و اصطلاحاً بخش خصوصی نامیده میشوند، یعنی

همان "مرکز ثقل و هماهنگ کننده و حمایت و هدایت بخش خصوصی" .

در شرح وظایف اطاق تعریف فوق جزئی تر و ابعاد اقتدار اقتصادی و بازتاب آن بر وضعیت اقتصادی و سیاسی کشور و موقعیت درونی رژیم آشکارتر میشود. در شرح نخستین وظیفه اطاق بر مسئله خط‌دهی به سیاستهای بخش خصوصی دولت توسط اطاق تاکید شده و چنین آمده است: "انتقال و توجیه سیاستهای اقتصادی و اجتماعی دولت برای اعضای بخش خصوصی و انتقال نیازها و خواسته‌های منطقی و عملی اعضاء اطاق به مسئولان و مراجع مربوطه دولتی و تشریح و توجیه مآذقاته با امکانات و احتیاجات هر بخش به، ش دیگر، هفته نامه اطاق بطرز مشخص مفهوم وظیفه فوق را جزئی مینماید: "کوششهایی در سطح بین‌المللی مطابق و موافق با سیاست خارجی دولت برای امور بازار - یابی و توسعه مآذرات ... مشارکت مستمر و موثر در امور مربوط به ایجاد اشتغال و اظهار نظر و دخالت و راهنمایی عملی و قابل اجراء برای افزایش کمی و کیفی تولیدات و مصنوعات برای رقابت در پهنه جهانی بمنظور تحقق هدف مآذرات غیر نفتی" ... (از همه مهمتر) "کوشش برای تشکیل اتحادیه‌ها - سندیکاها و شورای مشورتهای و بازگانی در چهار چوب مقررات دولت" (دقت کنید) بر مبنای همین وظایف و در واقع اختیارات اطاق بازگانی و صنایع و معادن است که "علی نقی خاموشی" رئیس اطاق در مسافرت رفسنجانی

به ژاپن حضور مییابد و پس از بازگشت از مسافرت طی مصاحبه‌ای ضمن صحه گذاشتن به خبرگی رفسنجانی در نماینده گی کردن برای بخش خصوصی و نیز برآورده ساختن کامل انتظارات بخش خصوصی در مذاکره با کشورهای ژاپن همچنین، از افزایش یا فتنن حیظه قدرت اطاق بازگانی خبر میدهد و اعلام میدارد اطاق بازگانی و صنایع و معادن که نمایندگی سرمایه‌داران و تجار استثمارگر را برعهده دارد ضمن توافقی که با دولت بدست آورده مستقیماً در مذاکرات اقتصادی با دول خارجی حضور خواهد یافت!

مسلم است فعالیت‌های سودجویانه اطاق به همینجا خاتمه نمییابد در ادامه قائل بودن حق خط‌دهی اقتصادی و سیاسی به دولت - اظهار نظر و دخالت و راهنمایی عملی در تولیدات و مصنوعات برای رقابت - تشکیل اتحادیه‌ها و شورای سرمایه‌داران! حضور مستقیم در مذاکرات اقتصادی با دول خارجی و بعد از گرفتن امروادات یا همان سرمایه - داری کردن بازگانی و صنایع و معادن به تلاش در جهت حضور در مجامع استثماری سرمایه‌داری جهانی مبادرت میورزد .

رئیس اطاق بازگانی و معاونین به همراه رئیس اطاق بازگانی در شعبات شهری مشهد، تبریز، اصفهان، شیراز و تنها با سفر او وزیر اقتصادی و دول خارجی که به ایران مسافرت مینمایند، مذاکره میکنند (نظیر ملاقات مدیرکل

مبارزه ضد ارتجاعي گامی فرایش در جهت مبارزه ضد امپریالیستی خلق ماست

وزارت بازرگانی خارجی انگلستان در محل اتاق بازرگانی و صنایع معادن با خاموشی رئیس و عسکر - اولادی ناشر رئیس اتاق بازرگانی صنایع و معادن و با "ملاقات هیات اقتصادی کشاورزی هلند با رئیس اتاق بازرگانی و با" ملاقات سفیر دولت هلند با اعضای هیئت رئیسه استان مشهد و "۳۰۰" بلکه از این مهمتر اتاق تلاش بسیاری را صرف حضور یافتن و شرکت فعال در مجامع استثماری و سرمایه - داری وابسته به امپریالیسم جهانی مینماید. بعنوان نمونه "کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین المللی (ICG) سازمانی است که ارتباط مستقیم با اتاق بازرگانی بین المللی و از طریق آن با سایر سازمانهای اقتصادی بین المللی خواهد داشت و دیدگاه اعضای خود را در این مجامع مطرح میکند. "۴" همچنین وزارت امور اقتصادی و دارایی و کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین المللی علاوه بر حضور در اتاق بازرگانی بین المللی در سازمان بین المللی گات شرکت دارند و گات سازمان بین المللی است که در آن موافقتنامه عمومی درباره تعرفه و تجارت انجام میپذیرد. "۵"

بنابراین اتاق بازرگانی و صنایع و معادن نه تنها نقش خویش را در ارتباط با استعمار و چپاولگری خلق انجام میدهد بلکه در تشدید امر وابستگیهای اقتصادی و سیاسی سهم بسزایی ایفاء مینماید که شرکت در مذاکرات اقتصادی بسا دول خارجی و حضور در مجامع استثماری سرمایه داری جهانی نمونه هایی از آن میباشد.

شماره ای از تاریخچه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن

هما نظر که قبلا اشاره شد با تصویب شورای باصلاح انقلاب، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن کار خویش را شروع کرد و در طی چند سال اخیر اعضای وابسته بدان بیشترین سود را در سایه اقتدار اقتصادی و گاه سیاسی خویش بدست آورده اند. در پیس از سال ۶۰ که ارتجاع پیش از پیش به جنگ با آرمائهای انقلاب برخاست و در عین حال در صدد مشروعیت بخشیدن مطلق به سرمایه داری و بخش خصوصی بود و در این جهت سرمایه داری گذارهای بسیاری کرد وزارت بازرگانی، اتاق بازرگانی و کمیته امور منفی رایکسره به بازاریان و سرمایه داران وابسته به رژیمش واگذار کرد و آنان در سایه سلطه سیاسی و اقتصادی که از آن برخوردار شده بودند بی - شرمانه و بی رحمانه تا زیانه های استثماری و چپاول و غارتشان را بر بیکر نحیف خلق مانواختند و به انباشتن ثروت و دارائیهای بیکران مبادرت ورزیدند تا آنکه بالاخره پس از اعتراضات و عصیانهای مقدس مردمی، رژیم برای حفظ نظامش مجبور شد یک گام عقب نشینی نماید و با وادار ساختن عسکراولادی به استعفا از سمت وزارت بازرگانی، بر نامه های دیگری را در مسیر مهارنا رضایتی های لجام گسیخته مردمی به بوت آ آزمایش بگذارد با استعفای وزیر بازاریان و

سرمایه داران از سمتش کسدر واقع از فرط ناچاری انجام پذیرفت اتاق بازرگانی در حالیکه همچنان به لزوم اقتدار اقتصادی و سیاسی اعضایش با فشاری میوزید به کار خویش ادامه داد. و فعلا لانه تشبیت حضور اقتصادی اش که در قسمت قبل اشاره کردیم، پرداخت. بخصوص که در این بعد حایان پروپا قرص و جانفشانی در تمامی سطوح رژیم داشت از خمینی و رفسنجانی و موسوی تا کمیته امور منفی - انجمن و اینک نیز در داخل رژیم به قدرت عمده اقتصادی و سیاسی تشبیت شده ای مبدل گردیده، آنچه آنکه امکان هرگونه تصمیم گیری در رژیم بدون حضور و دخالت آنان غیر ممکن مینماید. از میزان اقتدار و نفوذ سرمایه داران و بازاریان همین بس که در طی دو سال گذشته دولت را بارها در آستانه سقوط و یا در ورطه نابودی قرار داده اند و تنها خمینی توانسته است به نجات دولت ارتجاع و سرپوش گذاشتن بر اختلافات سرکش درونی بی پردازد اختلافاتی که صرفا جنبه قدرت و منفعت طلبی سیاسی و طبقاتی داشته و دارد. پس از انتخابات ریاست جمهوری بهر حال جناح سوپر راست در جنگ درونی رژیم برای کسب قدرت نخست وزیری در دولت توفیقی بدست نیاورد اما هر دو دسته بلحاظ درک ماهیت یکدیگر و دو بینه های آنسوی پرده ای که تنها مصالح و منافعشان قادر به رؤیت آن میباشد به آشتی و مسالمت با یکدیگر دست یازیده اند و در این میان هر دو چراغ سبزه های مؤدت و دوستی را بیکدیگر نشان داده اند

(ضمن آنکه شعله کینه جویی و انتقام طلبی در هر دو جناح همواره برافروخته است و جناح سوپر راست حتی مخالفت با دولت و انتقام جویی آنهم از موضع تشبیت یافته و مقتدر اقتصادی و حتی تا شیر بر روی مسائل سیاسی را برای خودش محفوظ نگاه داشته است) و اجلاس سیزدهم اتاق بازرگانی گامی در این مسیر بود.

موضوع بحث اجلاس سیزدهم؛ موضوع بحث "نحوه گسترش همکاری و تشریک مساعی بخش خصوصی با دولت" بود و مسئولان اتاقهای بازرگانی و صنایع و معادن سراسر کشور و همچنین نمایندگان نهادها و وزارتخانه ها و سازمانهای کشوری در شهرکاشان از چهاردهم تا پانزدهم آذرماه سال جاری حضور بهم رسانیدند. هفته نامه اتاق در یادداشت شماره ۱۶ پیرامون نتایج اجلاس میگوید: "سخنانی که در طی جلسات دو روزه اجلاس... مطرح شده چه از سوی مسئولان نهادهای دولتی و چه از سوی مسئولان اتاقها و دست اندرکاران فعالیتهای بخش خصوصی نشان داد که وجوه مشترک در عقاید مربوط به اداره نظام اقتصاد جامعه بسیار زیادتر از آن است که قبلا تصور میرفت. حتی نکته ای که بیشتر واضح گشت این بود که بسیاری از تصورات قبلی از نحوه عملکرد بخشهای خصوصی و دولتی کشور برای هر دو طرف یک سوء تفاهم بیشتر نبوده است. حسین امین راد نماینده وزارت بازرگانی در هیات نمایندگان اتاق در سخنرانی اجلاس سیزدهم عاملیت خرید توسط مراکز تهیه و توزیع بقیه در صفحه ۱۵

افشای انقلابی ارتجاع وظیفه مرحله ای هر نیروی انقلابی و مردمی



اخبار از کانال جنبش

میکنند!

طبق گزارشات دریافتی در یکی از روزهای ماه جاری در یک خوابگاه دانشجویی در خیابان کریمخان، دانشجویی سرخود را از پنجره یکی از طبقات میانی بیرون آورده و در حالی که بر قسمت‌های دیگر ساختمان مشرف بوده با فریاد شعار مرگ بر ارتجاع سر میدهد. این مسئله جو خوابگاه را تحت الشعاع خود میگیرد. از فرد مزبور نیز دردی باقی نمانده است!

بر اساس گزارش یکی از هسته‌ها بیش از ۵ نفر از اهالی ورامین در برابر دادگستری تهران تحصن کرده و دادخواست خود را علیه وزیر کشاورزی رژیم که مخالف منافع کشاورزان محروم ورامین عمل میکند، قرائت کرده‌اند.

سرکوب دهقانان و حاکمیت دوباره فتوای آنها توسط ارتجاع

بر اساس یک گزارش تحلیلی دریافتی از سوی یکی از هسته‌ها در استان خوزستان بیش از ۳ هزار فقره شکایت در رابطه با مسئله زمین وجود دارد. و این در حالی است که ارگانهای رژیم و نهادهای نظامی منطقه (بویژه زاندارمری) از شیوخ و خوانین و مالکین پشتیبانی میکنند. شیوخ و خوانینی که وحشیانه‌ترین و ضد انسانی‌ترین اعمال را در منطقه مرتکب شده‌اند، جدای از استعمار و بیگاری و بهره‌کشی، در کوچکترین مسائل اجتماعی و خانوادگی روستائیان مداخله کرده‌اند تا آنجا که از دواچه‌ها باید بسا ملاحضه آنها صورت میگرفته و... در استان آذربایجان نیز وضع بر همین منوال است و روستائیان محروم به بهانه‌های واهی مانند تخریب مراتع و علوفه و... به زندان و شلاق ارتجاع محکوم میگرددند. بعنوان مثال در روستاهای ملک آباد و حسن آباد از

طبق گزارشات واصله برای اجرای قوانین آخوندی اخیر ازنی را بجرم فساد اخلاقی در یکی از گودالهای رودخانه شهر قم سنگسار کرده‌اند، در پایان مراسم نیز یکی از زنان مزدور رژیم تکه سنگ بزرگی را بعنوان تیر خلاص بر سر خون آلود زن کوبیده است.

سنگسار کردن قرون وسطایی و ضد بشری ارتجاع روز بروز گسترش بیشتری پیدا میکند و روزنامه مزدور ابرار نیز گزارش داد که یک مجرم در حین سنگسار از مهلکه گریخت! چرا که طبق قوانین آخوندی اگر فرد بتواند از درون سنگها خود را بیرون بکشد و فرار کند حکم جاری نمیشود!! (فرد مزبور با پا سدا را بدهستان کرده بوده است!).

آخوند صانعی مزدور فالتزیت رژیم طی درسهای با صلاح احکام در تلویزیون، اخیراً اعلام کرده است، اگر فردی یک روز روزه نگیرد فلان مقدار شلاق میخورد، اگر دو روز فلان مقدار و... و اگر چهار روز، باید اعدام شود!! همچنین درس داده که اگر فردی الان بخوابد ۸ روز بعد بیدار شود روزه اش قبول است!

عصیان و اعتراض دانشجویان و کشاورزان علیه رژیم ارتجاع

طبق اخبار واصله در ماه گذشته در دانشکده حقوق دانشکده تهران در یکی از کلاسهای سال آخر که افرادی نیز بعنوان شرکت کننده آزاد در آن شرکت میکنند، هنگامیکه با صلاح استاد در باره حقوق با صلاح اسلامی سخن میگفته یکی از شرکت کنندگان آزاد با خشم بر میخیزد و در اعتراض به فقه حقوقی ضد خلقی ارتجاع که مطرح شده، با دادن فحش و توهین به عکس خمینی میگوید "حقوق جزائی کدام اسلام؟ اسلام اصیل یا اسلام این...؟" (اشاره به عکس خمینی). و بلافاصله کلاس را ترک

سنگسار کردن و... نمودها بی از فقه ضد خلقی حوزه‌ها

رژیم قرون وسطایی و ضد انسانی ارتجاع بر اساس فقه ضد خلقی اش هر روز جنایت و تبهکاری تازه‌ای می‌آفریند ارتجاع در یکی از جنایات اخیرش دست به سنگسار روز جزا کشیده‌ای از مجرمین فساد اخلاقی در ملا عام زده است بر اساس گزارشات رسیده شکل عمل در یکی از موارد (فردیس کرج) اینگونه بوده است:

فرد مجرم را تا نیمه بدن درون شن قرار داده و روی سرش را گونی میکشند، آنگاه از فاصله چند متری با سنگ و آجر او را میزنند. در همین حین نیز پاسدار مزدوری با شلاق به دستهای فرد که سعی میکرد در برابر صورتش قرار دهد، میزدند. در پایان نیز یک سپاهی ضد خلق دیگر با یک بلوک سیمانی بر سر او میکوبد و فرد مجرم جان میدهد! آنبولانس می‌آید و جسد را میبرد، اما مردم که با کینه و هراس، مات و مبهوت مانده بوده‌اند همانجا میایستند و صحنه را ترک نمیکنند که مزدوران رژیم در وحشت از عکس العمل مردم سریع دست بکار شده و با کمک خواندن آتش نشانی و با پاشیدن آب به سمت مردم آنها را متفرق میکنند.

اعدام با چرثقیل - کور کردن چشم - سنگسار - زجر کشی - بریدن دست و پا و... در رژیم ضد انسانی ارتجاع با تکیه روز افزون بر فقه ضد توحیدی و ضد خلقی و ضد خلقی روندی روبه گسترش پیدا کرده است.

"ننگ و مرگ بر ارتجاع"

"فقه حوزه‌ها علیه توده‌هاست"

با حاکمیت فقه ضد خلقی ارتجاع در عرصه نظام حقوقی و جزائی کشور روز بروز شاهد جنایت تازه‌ای هستیم.

توابع میان بر اساس حکم بیدادگاه... های ارتجاع نه تنها دست زار عین از زمینهاشان کوتاه شده بلکه به اتهام تخریب مراتع به پرداخت ۵ میلیون جریمه و نیز زندان محکوم شده اند. در همین منطقه در روستای خوبستان بنا شکایت ارباب و به جرم تصرف عدوانی ۵۱ نفر از روستائیان به ۹ ماه و ۱۴ نفر به یکسال زندان محکوم شده اند. و ۲۵ نفر دیگر نیز محکوم میتهای گوناگون گرفته اند...

در استان خراسان حکم استرداد بسیاری از زمینها به فئودالها داده شده است و بسیاری از زمینها پس از گذشت ۷ سال از انقلاب هنوز بلا تکلیف نمانده اند مثلاً هنوز وضع اراضی غصب شده توسط بزرگترین خان اسفرا این نامشخص است. در قوچان نیز اموال نماینده آن شهردر رژیم شاه به او عودت داده شد که با مقاومت روستائیان و توسط آنان دوباره مصادره گردید. اراضی وسیع خیامی در تربت حیدریه که دارای ۵۰ هکتار چاه نیز میباشند بجای واگذاری به زارعین در اختیار عده ای شهر نشین مرفه و وابسته به رژیم قرار داده شده است. اراضی مصادره شده احمد قریبی در خواف نیز به برادر او که نماینده مجلس فرمایشی شاه بوده داده شده است. در شهرستان بجنورد نیز در حال حاضر ۳۰ هزار هکتار از اراضی مستعد در اختیار عده ای از وابستگان رژیم شاه معروف به "خانلو قره جلو" قرار داد.

در استان مازندران نیز ظلم حکومت میکند. بسیاری از زمینهای منطقه توسط تیمسار زمین به وابستگان رژیم شاه بخشیده (شده بود که اینک توسط این ملاکین و از طریق دادگستری به کشا و رزان فشار آورده میشود و هر روز برای کشا و رزان اخطاریه و احضاریه صادر میشود که در صورت عدم حضور دهقان روستائی در دادگاه برگه جلب برای او نیز ارسال میشود. در بسیاری از استانها عناصر مزدور و گول خورده رژیم در ارگانهای مختلف جاده صاف کن حاکمیت فئودالها شده اند و همین امر باعث شده که روز بروز دهقانان محروم بیشتر با دید "مزدور" به آنها نگاه کنند. (این مسئله تا آنجا است که

یکی از عناصر هیئت هفت نفره در روز - نامها اعتراف کرد: کشا و رزان با چشم میباشند ارباب به مانگا میکنند" (۲/۴) در استان فارس نیز تمیر پرور فئودال روستای علی آباد بهنگام انتقال به زندان از طریق هتل شوهر خواهرش که در مسیر راه قرارداد است (و بعنوان رفتن به توالی) فراری داده شد. اما همین حامی و فرار دهنده که مزدوری بنام غلامرضا خان آسایش میباشند، آزادانه میگردد! این مزدور ز الوصفت خود قبلاً قریه عباس آباد را در نیمه شب غارت کرده بوده است. او در روستای عباس آباد روستائیان را شکنجه کرده و زندان میکرد و روزانه چند نوبت شلاق میزد - کف پای آنها را بریده و نمک میپاشید - موی افراد را می کند - بجای آب به آنها ادرار میخورد و ... اما همچنان در ظل حمایت مرتجعین راست راست راه میرود و به کشا و رزان پوزخند میزند.

محمود دبیری فئودال روستاهای قلعه بزی و پنج پارچه روستای دیگر حتی به زنان روستائی تجاوز میکرد - زارعین را از زده اخراج مینمود و ... اما او نیز با پارتی بازی آزاد شد. حاج حسینعلی رئیس که مالک ۳۰۷۰ هکتار و بیش از ۴۰ هزار هکتار باغ (که ۳۰ هزار هکتار آن بعد از انقلاب احداث شده) همچنان به حکمروایی مشغول است. و ... و ... و این حدیث حاکمیت شوم زور و زور و تزویر که عدالت و آزادی و آگاهی را به مبارزه میخواند، است.

چادرو حجاب اجباری برای زنان در نظام ارتجاعی حاکم

بنا به گزارش رسیده از گزارش - گران خروش، محفوظی نماینده منتظری در دانشگاه تهران طی سخنرانیهای سعی در تشویق و آموزش دختران حزب اللهی برای جاسوسی میکند. او یکبار علیه بی حجابی و ... سخنرانی میکند که یکی از عناصر حزب اللهی سوال میکند - اگر مشاهده شد فردی نماز نمیخواند - یا نوار گوش میدهد و ... آیا باید امر به معروف کنیم یا به حساب چهار دیواری اتاق شخصی بگذاریم؟ محفوظی جواب میدهد باید امر به

معروف کنید، اول شفا هی وبعد نیز - اخطار کتبی برایش فرستاده خواهد شد در پایان نیز یکی از مزدوران حزب - اللهی اعلام میدارد افرادی که حجاب را رعایت نکنند بعد از تذکر شفا هی، اخطار کتبی برایش صادر خواهد شد. "زور، بنیان با صلاح انقلاب فرهنگی ارتجاع است!"

بدنبال سخنرانی رفسنجانی علیه بدحجابی، نمایشی از پیا مدآن توسط رئیس انجمن اسلامی دانشکده ادبیات با جرات در آمد. او بخاطر عقب رفتن چند میلی متر از مقنعه یکی از دانشجویان طی یک فحاشی رکبک شرعی (و حزب - اللهی به وی حمله کرده و فریاد میزند شما فاحشه ها را مثل تف! از دانشکده بیرون میاندازم!

بنا به گزارش یکی از هسته ها حاجی آقائی مزدور، رئیس آموزش و پرورش تنکابن طی اطلاعیه ای برای دانش آموزان به طرح اجباری چادر (بجای روسری و مقنعه) برای دانش آموزان دختر و معلمان پرداخته است.

همچنین اخیراً در پایگاهها و مجتمعهای مسکونی پرسنل ارتش بنا نصب پلاکاردهائی اعلام شده که زنان باید از چادر استفاده کنند وگرنه خانه آنها در مجتمع تخلیه خواهد شد!

اخبار مربوط به جنگ

بنا به گزارش دریافتی مدتی پیش در ابتدای اطلاعیه اعلام مرگ یکی از قربانیان جنگه اشعاری از سوی خانواده آن قربانی آمده بود که به دنبال نصب این اطلاعیه های ترحیم بر در و دیوار (خیابانهای اطراف میدان انقلاب) مزدوران کمیتچی آنها از دیوارها کندیه های پاره پاره و مخدوش میکنند. این اشعار چنین بوده است:

بر سر هر کوچ
حله ای بی داماد
بر تن هر لاله
اثری از بیداد

باغبان گوش به تیریک مسلسل میداد

ای گل یا سمنم

صاحبان زر و زور

با چه تزویر شهیدت کردند

و تا مدت‌ها این منطقه شکل حکومت
نظامی داشته است .

■ بنا به گزارش یکی از گزارشگران
نشریه خروش در سمینار معلمان امور
تربیتی در مرکز به مدیران و معلمان
گفته میشود شما باید مواظب جوسازیها
در سرویس معلمان باشید، در آنجا
مراقب بگذارید، همچنان مراقب
باشید معلمان سرکلاس جز درس چیزی
نگویند و اعلام کنید اگر سطح قبولی
کلاسها کم باشد مقصر معلم است . که
یکی از مدیران روستاها میگوید اگر
در کلاسی ۳۰ نفری ۴ نفر قبول بشوند
نشانه تلاش و موفقیت معلم است !!
رئیس سمینار به او اعتراض میکند و
میگوید شما اگر از نشستن در اینجا
خسته شده‌اید میتوانید بروید ! طرف
مقابل نیز میگوید ما که نیا مده ایم ،
شما ما را دعوت کرده‌اید !

■ بنا به گزارشات دریا فتنی رژیم
در خوابگاه‌های دانشجویی برای کنترل
جوو برای هر طبقه یک مسئول جاسوسی
مخفی تعیین کرده است .

■ بنا به اخبار دریا فتنی در رسیدگی
به پرونده‌ها جای بمب گذاری منجر
به هلاکت با هنرور جانی دونفر بجرم
همکاری با کشمیری دستگیر شده بودند
که مدتی پیش یکی از آنها زیر شکنجه
کشته میشود ولی رژیم اعلام میکند
او خودکشی کرده است . این دونفر با
معرفی بهزاد نبوی استخدام شده
بودند بهمین دلیل اخیرا وزارت
اطلاعات طی یک گفتگوی چند ساعته
پیرامون این دونفر از بهزاد نبوی
سوال و تحقیق میکند (تا در رابطه با
آن دونفر اطلاعات بیشتری بدست آورد)

وضعیت اسفبار مردم از نظر
آذوقه، شغل و... در رژیم ارتجاع

■ ندادن کره و پنیر کوبنی و قیمت
فوق العاده زیاد آنها به نرخ آزاد
(مثلا پنیر کیلویی ۹۵۰ ریال) باعث
به سختی افتادن بسیاری خانواده‌های
متوسط و محروم در تهیه مباحات برای
خود و بچه‌هایشان گردیده است .

■ رژیم ضد خلقی ارتجاع با شدت
به جمع آوری و جرمه و انتهای میوه
و سبزی فروشی (که ارزانتر از مغازه‌ها
کالا میفروشد) دست زده است . علت

■ بنا به اخبار واصله در اطراف اهواز
۷ شهرک مهاجرنشین وجود دارد که
قربا نیان جنگ را در خود جای داده است
این شهرکها از ابتدایترین امکانات
اولیه محرومند، بیکاری مفرط در آنجا
وجود دارد و برای گرفتن جیره نقدی
افراد باید روزها رفت و آمد کنند و
در صف بایستند . این در حالی است که
بنا بر آمار رسمی ۶۰٪ بودجه بنیاد امور
مهاجرین خوزستان جذب شده و بیه مرکز
عودت داده شده و یا اجبارا با زپس
گرفته شده است !

نموده‌هایی از سرکوب و اختناق
ضد مردمی ارتجاع

■ رژیم ارتجاع در وحشت از
فعالیت‌های آگاه‌بخش و سیاسی در
پادگان‌ها سعی در جذب عناصر بیشتری
برای جاسوسی در سیاسی - ایدئولوژی
ارتش دارد . مثلا در واحد توپخانه ۵۵
اصفهان یکی از مزدوران رژیم با این
عناصر آموزش میدهد که "گرمتعهد
باشید باید کوچکترین فعالیت
سیاسی، سخن گفتن علیه رژیم یا خمینی
، خواندن کتابهای مضره سیاسی !!
شعار نویسی در دستشوییها و... را سر
گزارش کنید، با افراد بیتفاوت که
فحش میدهند کاری نداشته باشید ،
شما با مسائل اخلاقی و فسادهای اخلاقی
هم کاری نداشته باشید و مسئولیتی
ندارید... افراد سیاسی را شناسایی
کنید !

ضمنا به هر کس که وارد حفاظت یا
سیاسی - ایدئولوژی میشود نیز وعده
حقوق زیادتر، رفاه در داخل و خارج
پادگان، مرخصیهای خارج از نوبت و
... میدهند .

■ بدنبال تشدید صدور حکم تخلیه
اثاثیه مردمی که در خانه‌ها و مجتمعهای
مسکونی معادله شده سکونت دارند، در
تاریخ هشتم اردیبهشت ماه جاری عده
زیادی از این هموطنان در مقابل
یکی از مراکز مسئول رژیم در حوالی
میدان فردوسی تجمع میکنند . حرکت
دسته جمعی آنها باعث وحشت مزدوران
رژیم میگردد، از اینرو بلافاصله
مزدوران نظامی رژیم با ماشینهای
گشت به تاخت و تاز در آن منطقه
میپردازند تا جمعیت را متفرق کنند

به سجاده خونین اسیرت کردند

بی تو امروز هنوز
این گرازان کویر در باغند
به جماعت پی نشخوارتن انسانند

یا سمن، باغ و طراوت میخواست
یا سمن، نور و عبادت میخواست
یا سمن، بوی صداقت میداد
یا سمن، پرپر شد

ما دم، میدانم

تا که جا دوگوشب ،

قاتل اندیشه هنوز "بی دار" است

سیل گلخون بدنا ،

تکبیرگو

در راه است

■ بنا به گزارشات واصله رژیم برای
روشن نگاه داشتن تنور جنگ ، اخیرا
در برخی از دانشگاهها ، با جیباز از
دانشجویان خون گرفته شده است .

■ بنا به گزارش گزارشگران خروش
دامنه سربازگیری رژیم ارتجاع به
تهران نیز کشیده شده است . در حالیکه
رژیم سعی میکند در مرکز کشور کمتریه
این کار اقدام ورزد چرا که بطست
حضور بیشتر خبرنگاران در تهران، بازتاب
بین المللی خواهد داشت . اما مدتی
است که مزدوران کمیته چی شبیخونهای
به برخی خیابانها (مثلا سعدی، بهار -
ستان و...) و سینماها میزنند، همچنین
افرادی که در کنار خیابانها و ویسا سر
کوچه‌ها نشسته باشند را برای اعزام
اجباری به سربازگیری دستگیر میکنند.
■ با گسترش تحریم سربازی رفتن
جوانان و در حالیکه رژیم مرتب لاف و
گزارش استقبال مردم از جبهه ! را
میزند (شاید استقبال شعاری عناصر
حزب الهی (وتورهای مسافرتی تا
نزدیکی شهرهای جنگی!) ، تورهای
شکار جوانان برای اعزام اجباری به
سربازیها هر روز گسترده تر میشود...
بویژه در جاده‌های مهم کشور (مثلا شمال
به مرکز و...) سینماهای شهرهای مهم
(اصفهان، تبریز و...) و...
■ بنا به گزارشات دریا فتنی مدتی
است دزدی در جبهه افزایش یافته و
همین باعث سردرگمی و ناراحتی شدید
مزدوران رژیم در منطقه گردیده است .

کرده است، می باشد که هرکس در پی مدتی گریز از این زندان است.

■ بنا به گزارش مکرر گزارشگران فروش با حاکمیت ارتجاع تخدیر گرجو با زکشت به فرهنگ رژیم سابق روز بروز در اقصا ربهیشتی دامن می گسترده به عنوان نمونه اینک در بسیاری از ماشینهای مسافر برشخصی بهنگام تردد ترانه های خواننده های گذشته پخش میگردد.

اخراج، آوارگی و... ستمهای رژیم ضد خلقی حاکم علیه کارگران

■ بنا به گزارشات مکرر هسته های آزادبیش - آگا هیبخش و اخبار مفصل دریافتی از سوی گزارشان نشریه خروش موحد، رژیم ضد خلقی ارتجاع بدنبال کاهش شدید بهای نفت و بحران انرژی که دامنگیرش شده و با کوبیدن مستمر بر سر مردم دربند ایران و بویژه کارگران زحمتکش آورده است. مزدوران رژیم تصمیم گرفته اند درآمد ارزی کشور را در مرحله اول و بطور نا محدود برای جنگ ضد خلقی مصرف کنند (مواد غذایی ضروری در مرحله بعد قرار دارد) همین کمبود بحران ارزی باعث شده میزان واردات مواد اولیه کارخانجات شدت کاهش یافته با کلا قطع گردد. اما رژیم جنگ طلب ضد خلقی بی محابا دستور به اخراج کارگران و تعطیل کارخانه ها و آواره و در فقر و فلاکت رها کردن بخش عظیمی از کارگران میهن مان داده است.

گزارشات حاصله حاکی است بحران و توطئه اخراج دستجمعی و وسیع کارگران و از کار ریکار شدن این اقشار محروم در کارخانجات حوالی تهران - اصفهان - تبریز - اراک - شهر صنعتی البرز و... شدت بیشتری داشته است. در کارخانه ها به کارگران گفته میشود یا اخراجید - یا باز خرید (با مبالغی بسیار اندک) و یا باید به جبهه بروید. همچنین رژیم کارگرانی که بعلت سابقه بیشترمزدهای بیشتری دریافت میکنند را بیشتر اخراج میکنند تا با هزینه اش را کمتر کند. افشاء این توطئه گسترده ضد خلقی ارتجاع وظیفه تمامی نیروهای خلقی است، با فریادی رسا صدای اعتراض و ناله درد

سیاسی سابق در برابر دانشگاه، بحث - های ورزشی پیرامون تیمهای پرسپولیس و استقلال میکنند خلاصه بسیاری از جوانها بین این دو قطبی شده اند!

برهسته های آگا هیبخش است که جهت تبلیغات (نصب برجسب، پخش تراکت، شعار نویسی و...) از این محافل تجمع مردمی حداکثر استفاده را ببرند.

■ بنا به گزارش های رسیده از آموزش و پرورش رژیم، مسئولین ارتجاع در تدارک توطئه ای در جهت اخراج تدریجی معلمان حق التدریسی و جایگزین کردن افراد فارغ التحصیل مراکز تربیت معلم بجای آنها میباشند در موارد ورشته هایی که کمبود دارند این توطئه دیرتر پیاپی خواهد شد.

■ بنا به گزارش دریافتی پذیرش بیش از حد دانشجویان دانشگاه امیرکبیر موجب افت تحصیلی شدید و مشکلات رفاهی زیادی برای دانشجویان گردیده است. (این مسئله، مسئله ای عمومی است، بویژه در رشته های پزشکی دانشگاه های مختلف کشور). این در حالی است که سلیمی رئیس دانشگاه طی نطقی با افتخار تمام اعلام میکند خوشبختانه ما بعد از انقلاب پذیرش دانشگاه را به ۴ برابر رسانده ایم بدون اینکه اشاره ای به افت تحصیلی و مشکلات عدیده اشاره ای کند، همین دانشگاه بعلت کمبود شدید کادر علمی و فنی استادان تازه کار و غیرمغرب زیادی را بطور حق - التدریسی استخدام کرده است که این امر نا رضایتی شدیدی در بین دانشجویان ایجاد نموده است. مسئولین همین دانشگاه طی اطلاعیه ای (به شماره ۳۳۵) دانشجویان را برای شرکت در جبهه های جنگ خانمانسوز دعوت کرده و اولویتها را برای این افراد در نظر گرفته اند (مانند اینکه کسانی که ۴ ماهه جبهه بروند، ۲ واحد کار آموزشی برای آنها محسوب میشود).

■ بر اساس گزارش یکی از هسته ها روند گرفتن گذرنامه توسط مسردم (بویژه طبقه متوسط) در کشور در بند ما شدتی روزافزون دارد. و همین مسئله خود نشان دیگری از تنفر مردم از رژیم ارتجاع و استبدادی که بر همه حاکم

آینکارعدم امکان دریافت مالیات از این افراد است. جمع آوری این فروشندگان دوره گرد باعث ناراحتی مردمی که اجناس ارزانتری از آنها میخریدند، شده است.

■ بر اساس یک گزارش دریافتی بندر لنگه با ۵۰ هزار سکنه هنوز از آب لوله کشی محروم است. و این در حالی است که ارتجاع ضد خلق روزانه نجرج صدها طرح عمرانی را در تنور جنگ دود میکند.

■ با حاکمیت رژیم قرون وسطایی و اسکولاستیکی و بسته شدن هر نوع راه تفریح و رشد استعدادها و... محافل ورزشی با استقبال شدیدی روبه رو شده اند (پارکها، کوهها، محافل ورزشی، سینماها چهر محل عمده حضور مردم در روزهای تعطیلی میباشد - که با بید مورد توجه هسته های آگا هیبخش - آزادبیش قرار داشته باشد).

شده بی تفاوتهای سیاسی، از سوی دیگر، رشد تمایل ورزشی را در اقشار وسیعی از جوانان باعث شده است و مجلات ورزشی بیشترین فروش را دارند. بر اساس گزارشات دریافتی در مسابقات فوتبال قهرمانی تهران پرچمهای تیمهای مهم پایتخت با قیمت ۱۰۰ - ۵۰ تومان بشکل وسیعی خریداری میشود - بطور مرتب در مسابقات فوتبال بطور همزمان ۴ هزار نفر در ورزشگاه مجدیه و ۷۰ - ۶۰ هزار نفر در ورزشگاه آزادی به تماشا می آیند مسابقات میروند و برای خرید بلیط صفهای طولانی تشکیل میشود (در حالیکه در اروپا در فینال مسابقات باشگاهی در سطح قاره اروپا ۳۰ - ۲۰ هزار نفر به تماشا می آیند). در مسابقات مهم عده ای پشت در میمانند، بنا به گزارشی در یک مسابقه شعرهای جنگ جنگ تا پیروزی از پشت بلندگویی استاد بوم پخش میشود تا جمعیت تکرار کند اما حتی یک نفر این تکرار نمی کند. روزنامه های که توسط تماشاگران خریداری میشود بجز صفحه ورزش که در دست میگیرند تا مطالعه کنند از بقیه بعنوان زیرانداز برای نشستن استفاده میشود، در بیرون استادیومها در ابتدا و در انتهای بازی برخی جوانها بصورت جمعهای ایجا و آنجا میایستند و شبیه بحثهای

شاهد عبور موفقیت آمیز! هواپیمای های ارتش اسلام از فرازمیدان آزادی هستیم!

■ بنا به گزارش یکی از هسته های آزادبیش و آگا هیبخش بدنبال کمبود دارو و برادرش مصرف برای قربانیان جنگ و نیز بحران اقتصادی رژیم و بدنبال افزایش روزافزون فقر عمومی و ... میزان مصادره و باصطلاح دزدی دارو و اموال دولتی از نهادهای و موسسات دولتی مرتباً افزایش مییابد، به عنوان نمونه این مسئله در نهادهای و بیمارستانهای وابسته به دانشگاه تهران روندی تصاعدی داشته است، تا آنجا که معاون امور مالی و اداری دانشگاه تهران (سیداسما عیلاوینی!) اخیراً در بخشنامه به این موسسات تاکید کرده است هر فرد باید مراقب وسایل تحت مسئولیت خود باشد و گرنه در صورت مفقود شدن ۲۴ ضربه شلاق خواهد خورد!

■ در سیستم اداری ارتجاع فساد و پارتی بازی توسط عناصر حزب الهی روز بروز بیشتر صورت میگیرد. از جمله این پارتی بازیها در توزیع مصالح ساختمانی است. بر اساس یک گزارش دریافتی یکی از علل کمبود سیمان در اندیمشک پارتی بازی حاکم بر توزیع (علاوه بر کمبود کلی) آن میباشد. مسئول بازرگانی شهر اندیمشک نیز درجایی گفته است در کار در پرسنلی آن قسمت تغییراتی ایجاد خواهد شد تا افراد متعددی تر ایجا گرفته شوند!

■ کمبود کاغذ در رژیم در بحران ارتجاع بحدی است که با نزدیک شدن پایان ترم هنوز برخی جزوات درسی دانشجویان بدستشان نرسیده است همچنین وضع بودجه دانشگاهها به گونه ای است که اساتید باید برای گرفتن حق التدریس معوق خود مصرا پیگیری باشند تا پایمال نشود!

■ روزنامه مزدور برار طری تحلیلی اعتراف کرده است که اجناس بوتیکها از طرق مختلفی تامین میگردد که یکی از آنها "دیپلماتها و کادرها و ما مورین دولتی جمهوری اسلامی ایران" میباشد!! (۶۵/۲/۲۰)

اختلاسها و مالیاتهای بیرحمانه ارتجاع از زحمتکشان و کودکان

بر اساس قراردادهای درازمدت سابق خواهند خرید و گرنه قراردادهای را لغو خواهند کرد. و این خود بحران رژیم را تشدید کرده است.

■ طبق یک گزارش دریافتی مدتی پیش رژیم ارتجاع به برخی از کشورهای جهان سرمایه داری پیشنهاد ساختن عمامه ضد گلوله را داده است! تا مسئولین مهم رژیم که با لیبهای ضد گلوله رفت و آمد می کنند، از نظر سر نیز ضد گلوله شوند!

■ بنا به اخبار واصله اخیراً ایران بمیزان زیادی چوب "گابن" از فرانسه خریداری کرده است.

■ بنا به یک گزارش و محاسبه در یافتی دولت در بحران ارتجاع بودجه عمرانی سال ۶۵ را به ۱/۳ بودجه جاری به ۱/۸ کاهش داده است. همچنین بدنبال بحران نفتی مقرر شده که حفظ واردات مواد غذایی و دارویی ادامه یابد.

■ در امتداد خشم و تنفر مردم از رژیم راهپیمائیهایی مختلفی که رژیم اعلام میکند شکلی مسخره یافته است. بنا به گزارش یکی از هسته ها، در جمعی که با اصطلاح "بعضوان روز ارتش" صورت گرفته بجز اندک افرادی که حتی دور میدان آزادی را نیز نمی توانستند در یک صف یک نفره بپوشانند کسی شرکت نکرده بوده است. ترازه همین تعداد نیز اکثراً مسافریین ترمینال غرب که تعطیل شده بوده و برخی فروشندگان دوره گرد مسواد غذایی بوده اند. در این مراسم! خامنه ای وعده ای از مزدوران رژیم شرکت میکنند و از میدان خالی که تنها با صفهای رژه افراد نظامی پوشیده میشد بازدید میکنند. یکی از مزدوران حزب الهی به گوشه ای که عده ای به تماشای رژه ایستاده اند میرود و با فریاد، با اصطلاح شعار میدهد، "می جنگیم - می میریم - سازش نمی پذیریم" و چند بار تکرار می کند اما با سکوت و سردی مواجه شده و با سر افکنندگی دور میشود. هنگام عبور چند هواپیمای بعنوان مانور در بالای میدان، مسئول تبلیغات! که گویا از استقبال شدید امت حزب الله! شوکه شده بود و با طبق کلیشه ای تکراری، پشت بلندگوا اعلام میکند "هم اکنون

آلود کارگران بیکار شده میهنمان را به گوش همه هموطنان و جهان نیسان رسانیم. فریاد کارگرانی که با داشتن چند بچه و مخارج سنگین و با فقر و گرانی حاکم، دوران تیره و تار و بی هیچ پشتوانه ای را به اجبار و تهدید ارتجاع آغاز کرده اند و جز فرزندان مبارزان هیچ پناهی ندارند.

■ در امتداد بحران اقتصادی رژیم کارخانه "دیزل" اعلام کرده کارگران به طور شیفتی ۱۰ روز کار کنند و ۱۰ روز بیکار بمانند و یا هر کارگر بمیزان یکماه از حقوق هر سال دریافت کرده و باز خرید شود.

■ شرکت قدس پلاستیک ۲۲ تن از کارگران خود را اخراج کرده است.

■ در کارخانه ایران بهلر (مشترک بین ایران و بلژیک) بدنبال عدم انجام تعهدات ایران، طرف بلژیکی از مزدور لواز می پدکی به این شرکت خودداری کرده است. رژیم جنگ طلب دستور داده این کارخانه بجای ساختن چکش های مکانیکی، گلوله آر بی جی مونتاژ کند. در این کارخانه ۳۰ نفر کارگر و کارمند اخراج شده اند.

کارگران اخراجی هنگامیکه قصد داشته اند کارت ورودی بزنند مشاهده میکنند کارتهایشان نیست که در جواب اعتراض آنها گفته میشود شما از طرف وزارت کار اخراج شده اید.

■ تعداد زیادی از کارگران کارخانه سرب و روی "انگوران" اخراج شده اند.

■ تعداد زیادی از کارگران کارخانه "الوپن" و "ایران دوچرخ" باز خرید یا اخراج شده اند.

■ مزدوران وزارت کار رژیم به کارگران "آبگینه" گفته اند برای گرفتن حقوق باید اول به جبهه بروند و ... و ...

مرگ و تنگ بر رژیم ضد خلقی و ارتجاعی حاکم.

موقعیت رژیم ارتجاع در مصاف با پوسیدگیهای درونی اش

■ بنا به اخبار واصله بدنبال کاهش قیمت نفت طرفهای مورد معامله رژیم ایران (بویژه ترکیه) به ایران اطلاع داده اند که نفت را به قیمت روز

— رژیم در بحران و جنگ طلب
ارتجاع به بیمارستانهای وابسته اعلام کرده هر مریضی که قصد بستری شدن در بیمارستانهای دولتی را دارد یا باید برای جبهه‌ها خون بدهد و یا مبلغ ۵۰۰ تومان بپردازد!

بنا به گزارش گزارشگران خسروش رژیم ضد خلقی و در بحران ارتجاع اخیرا اعلام کرده است روستائیان کشور نیز برای تاسیس خانه در روستا باید پروانه بگیرند! تا از این طریق از آنان نیز اخاذی نماید. همچنین بنا به گزارشات دریا فتنی، از کسبه خرده‌پا مالیاتهای کلان خواسته میشود (در حالیکه تاجران مزدور رژیم ضمن چپا و لهای سنگین از زیر مالیات نیز فرار میکنند).

بنا به گزارش یکی از هسته‌ها، رژیم ضد خلقی ارتجاع در یک یورش تمامی دهکده‌های سه راه آزادی (حتی دهکده‌های قانونی که انشعاب آب تهران نیز داشته‌اند) را جمع‌آوری کرده است. یکی از دهکده‌داران اظهار داشته مدتی پیش از او مبلغ ۴۶ هزار تومان مالیات گرفته‌اند و حالا نیز دهکده‌اش را جمع کرده‌اند.

بنا به اخبار واصله پس از عید در برخی مدارس هنگامیکه قلکهای پولی (که با جبار به دانش‌آموزان داده شده بود تا پس از انداز خود را به جبهه‌ها بدهند)، قلک افراد و کلاسهای که قلکها را تا نصفه پر کرده بودند توسط اموریبیتی بازگردانده میشود تا کاملاً پرگردند! تا تنور جنگ با این اخاذی‌های بیشتر شعله‌ورتر گردد.

بر اساس گزارش یکی از هسته‌ها اخیرا در کرمان هر کس قصد انشعاب آب

به منزلش داشته باشد میباید مبلغ هشت هزار تومان به دولت باج بدهد، به دولتی که منافع همین مردم را با جنون جنگ طلبی بر باد میدهد.

بنا به یک گزارش دریا فتنی سرمایه‌داران مومن و زرنگ با همدستی همپالکیهاشان در رژیم ارتجاع با گرفتن موافقت و مجوز، مواد اولیه و امکانات دریافت میکنند اما آنرا مستقیما روانه بازار آزاد کرده و بفروش میرسانند.

بنا به اخبار رسیده طبق اسناد، فردی بنام دکتر غلامحسین فخری که یکسال واندی ریاست دانشگاه آزاد واحد تبریز را عهده‌دار بود، تنها در شهریور ماه سال ۶۴ مبلغ ۸۵۹۶۴۰ ریال سوء استفاده مالی نموده است. اخیرا بدنبال او چگیری افتضاحات نامبرده او از کاربرکنار رفته و انگجی (نماینده مزدور تبریز) جای او را گرفته است.

بنا به اخبار رسیده دو پسر امام جمعه بستان آباد یکی در اطریش زندگی میکند و دیگری در امریکا صاحب پمپ بنزین و املاک دیگر از طرف پدر است. در تاریخ ۱۶۵/۱/۲۰ این امام جمعه (حاج باقر مدرس) دختر یک صاحب کار - خانه مایونسازی را برای پسر خود عقد میکند و با همراه هزاران دلار از اموال خلق عروس خود را به ترکیه و از آنجا به امریکا میفرستد. لازم به یادآوری است همین عنصر تزویرگر در تاریخ ۱۶۴/۱/۲۰ از طرف منتظری برای باصلاح ارشاد دانشجویان مقیم خارج به آلمان رفته، که گفته میشود حدود ۲۰۰،۰۰۰ دلار با خود به خارج برده و در بانکهای امریکا سپرده‌گذاری کرده است.

آموزش و پرورش بعلت کمبود بودجه شدید، از هزینه‌ها سرانه که به مدارس میداده، بشدت کاسته است. مسئولین مدارس نیز برای تهیه بودجه جهت صرف هزینه‌های مدارس، به انحاء گوناگون از والدین اخاذی میکنند؛ بصورت شهریه مستقیم و غیرمستقیم در هنگام ثبت نام یا ارسال پاکتهای نامه برای تقاضای کمک مالی به مدرسه و... و جدیدان نیز مشاهده شده بخاطر تهیه اوراق امتحانی مبلغی از دانش‌آموزان (مثلا ده ریال) مطالبه نموده‌اند!

در حالیکه مردم در فقر و فلاکت و رژیم در بحران اقتصادی غوطه‌ور است اما همچنان با مخارج کلان حوزه‌های تزویرآخوندی در نقاط مختلف کشور تاسیس میشود. اخیرا در شهرستان سنقر با بودجه ۷ میلیون و ۴۰۰ هزار ریال یک حوزه تزویرآخوندی تاسیس شد. یک حوزه تزویرآخوندی پرور (ایسن قلکهای سهمام!) دیگر نیز در شهر - استان دردگان (از توابع شهرکرد) ساخته شده است.

اخیرا دیو صدامی مجاهد با خواندن اعلامیه‌ای مدعی شده است که "کانون ابلاغ اندیشه شریعتی" از شورای ملی مقاومت و مجاهدین حمایت کرده است این مسئله در داخل کشور و در بین برخی افراد شبهات را ایجاد کرده است در این رابطه لازم به توضیح است که این اعلامیه متعلق به فردی است که نام کانون و نشریه آن را غصب کرده و همچنین به نام ابلاغ نشریه میدهد!

ملاقات ننمایند.

۲- نسخه‌ای از صورت مذاکرات وزراء محترم با مقامات کشورهای خارجی به دفتر اینجانب (نخست وزیر) و وزارت امور خارجه ارسال گردد. وزارت امور خارجه موظف است مراتب را حسب مورد به دستگاہای ذیربط منعکس نمایند.

۳- در ملاقاتهای رسمی وزیران با مقامات کشورهای خارجی وزارت امور خارجه نماینده‌ای اعزام خواهد نمود اعزام نماینده در ملاقاتهای غیر رسمی، نیز منوط به اعلام وزیر ذیربط خواهد

های دیپلماتیک و مذاکرات و تماس - های سیاسی حکایت میکند که به سادگی اسرار رژیم از دهان حضرات بیرون میاید!!

ضمنانا هماغه‌نگی بسیاری در برخورد عناصرتختلف رژیم و نیز ملوک الطوائفی در دعوتها و برخوردها و... نیز سردمداران ارتجاع را کلافه کرده است! مواد این بخشنامه عبارتند از:

۱- وزراء محترم سعی نمایند حتی المقدور با سطوح پایین تر از سفرا و رؤسای نمایندگیهای دول خارجی

طبق اسناد بدست آمده مدتی پیش نخست وزیر رژیم ارتجاع طی بخشنامه‌ای (با شماره ۱۴ - ۲۲/۱۰) به کلیه وزارتخانه‌ها، سازمانها، موسسات دولتی و نهادهای رژیم دستورالعملهایی را ابلاغ کرده که حاکی فساد درونی رژیم و ترس از روند روبه افزایش اختلاسها و سوء استفاده‌های مالی عناصر رژیم از بالا تا پایین، در رابطه با روابط و قراردادهای خارجی میباشد این دستورالعمل همچنین از بی‌عرضگی و پخگی عناصر سیاسی رژیم در برخورد

بقیه از صفحه ۸

وابسته به دولت را در طی چهار سال گذشته حرکتی شتابزده اعلام کرد و گفت: "نقاط قوت وضعف عاملیت خرید در حوصله این بحث نمیگنجد. الان در بعد کارشناسی به این نتیجه رسیده ایم که عاملیت خرید صدرصد برفع جامعه نیست" و با این وصف نماینده وزارت بازرگانی ارتجاع با تمایل سرمایه داران و بازرگانان همصد شده که دولت برای خودش تنها نقش بخارت (ونه عاملیت) قائل گردیده است.

"مهدی حریری" عضو هیات رئیسه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن نیز بدنبال ملاقات حضوری با موسوی به ملت ایران بخوا طرداشتن چنین نخست وزیر و وزیریک گفت: "زیبیرا موسوی سنگ تمام گذاشته و گفته بود: "آقایان (خطاب به اعضای اتاق بازرگانی) مثل برادران مجلس متدین هستند دولت میخواهد با اتاق بازرگانی بهترین روابط را داشته باشد" "۶" و بدنبال تشبیت اقتدار اقتصادی جناح بورژوا تجاری رژیم، در لایحه صادرات و واردات سال ۶۵ بر اساس یک تبصره صدور کارت بازرگانی برای متقاضیان بخش خصوصی مشروط به عضویت آنها در اتاق بازرگانی و صنایع و معادن میباشد و اساسا با توجه به شرایط اقتصادی حاکم بر کشور پس از کاهش جهانی قیمت نفت و با بلعیده شدن بودجه در گام جنگ، متعاقب آن فقدان بودجه ارزی کشور رخ مینماید و لذا هر چه نقش نفت در بودجه ارزی کشور کاهش یابد بخش خصوصی و سرمایه داران ستمکار نقش فزونیتری در امور اقتصادی و سیاسی کشور و بویژه در داخل رژیم ارتجاع بعهده میگیرند.

زیرا با سقوط قیمت جهانی

نفت و فقدان ارزی موجود، برنامها و سیاستهای اقتصادی که دولت در پیش گرفته نظیر وارد کردن سیل مواد مورد نیاز کارخانجات روبه حاق رفته و ثروت سرمایه داران و بازرگانان بهره کش از طریق بعهده گرفتن نقش عاملیت در واردات و ... جا یگزین نقش دولت گردند. و لذا بر اقتدار سرمایه داران بیش از پیش افزوده میشود و در اینصورت اتاق بازرگانی و صنایع و معادن بمثابه مرکز تجمع و شکل دهی به سرمایه داران نیز بسیار با نفوذ تر و گسترده تر از قبل به فعالیت و انجام وظایف و اعمال اختیارش علیه محرومین و خلق دربندمان میپردازد.

مکانیسم عمل اتاق بازرگانی و صنایع و معادن

اتاق بازرگانی در مقایسه با سایر نهادهای اقتصادی یعنی "انجمن اسلامی اصناف" و "کمیته امور صنفی" از ویژه گیهای متمایزی برخوردار است گویا این اتاق جابجایی را به مراکز دیگر اقتصادی واگذار کرده و تنها به بهره برداری از جویرا افتاده توسط سایر مراکز هوادار و دنبال نمودن اهداف و برنامها میباید که بی ریزی کرده اند، میپردازد. اعضای اتاق را عموما افراد سیاستمداران بزرگ و خوش خط و خالی تشکیل میدهند که برخی ریشهاشان را هم میتراشند و تنها تهریشی شرعی دارند و حال آنکه اعضای کمیته امور صنفی و بویژه انجمن اسلامی اصناف را عموما افرادی باریش که کمتر سیاستمدارانند، در بر میگیرد.

البته اتاق بازرگانی ساخت همگونی ندارد و بسی بویژه روسا و بخش مهمی از آن از عناصری تشکیل میشود که دریافته اند با قدرت از سوی

جناخ راست (دولت و رفسنجانی) میوزد، از اینرو سعی نمیکند برخورد سیاسی و خصمانه ای پیش بیاورند و بازرگانی سیاسی و کاردانی - که در انجمن اسلامی اصناف و حامیان و آخوندهای سوپر راست که کمتر وجود دارد خود را حامی و پشتیبان امام و دولت (رجا میاندازد، ساخت طبقاتی و اجتماعی اطفاها نیز مجموعه ای است از تجارب سرمایه دارانی که تدبیر و حزب الله گری! کمتری نسبت به انجمنهای اسلامی! اصناف دارند اما از ثروت و سابقه تجاری خارجی بیشتری برخوردارند. اتاق بازرگانی و صنایع و معادن برای تمرکز اعضای خویش که همانا سرمایه داران غارتگر را شامل میشود علاوه بر "۲۱ شعبه اتاق در شهرستانها" و "نشستها و اجلاسها و مذاکرات ویژه خود اتاق به انتشار "هفته نامه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن" مبادرت ورزیده است. در هفته نامه سیاست حمایت و هدایت سرمایه داران همانطور که هدف تشکیل اتاق را شامل میشود انجام میدهد و بنحوی که مرکز ثقل و نقش حمایت و هدایت گری سرمایه داران برای سود خواری شرعی و قانونی با زیرکی و هوشیاری تمام (در مقالات و بخشهای مختلف هفته نامه انعکاس یافته است.

هفته نامه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن به اشکال زیر حمایت و رهبری سرمایه داران را با انجام میرساند:

■ هفته نامه به تلاش فراوانی در مسیر جذب سرمایه داران به اتاق و تشکیل کمیته های و تشکلهای سندیکاها و اتحادیهها و شوراهای صنعتی و بازرگانی میپردازد تا از آن طریق بر قدرت و موقعیت اقتصادی - اجتماعی و سیاسی اتاق افزوده شود لذا در هفته نامه اتحادیهها و سندیکاها و وابسته به اتاق معرفی میشوند، هفته نامه در اشاره خود به علت انجام

اینکار به منظور شکل دهی برای اقتدار اتاق صحنه میگذارد: "منظور از معرفی این سندیکاها و اتحادیهها که بعد از این بطور مرتب چاپ خواهد شد اینست که اعضای دست اندرکار فعالیتهای بخش خصوصی از نحوه کار بخشهای دیگر فعالیتهای آشنایی مختصری کسب کنند و در صورت علاقه بدان واحیاناً برای پیوستن در جمع یک اتحادیه یا سندیکا خود را آسما مراجعه کنند."

■ خط دهی به سرمایه داران و بازرگانان از دیگر اهداف هفته نامه میباشد هفته نامه با طرح مسائل مشخص و ارائه نظرات سرمایه داران و بازرگانان به ایجاد هماهنگی در مطرح ساختن درخواستهای مشترک آنان و با اصطلاحاً خط دهی مبادرت میورزد. نمونه این اقدام در قسمت مقالات اقتصادی و قوانین و مقررات بازرگانی صنعتی معدنی گنجانیده شده است (گاه نقطه ثقل یادداشت های هفته نامه را تشکیل میدهد). در قسمتی که تحت عنوان قوانین و مقررات بازرگانی صنعتی و معدنی هر هفته در هفته نامه درج میشود عموماً با استخراج قوانین و مقرراتی که بنبف سرمایه داران و بازرگانان و احیاناً به زیان بازرگانان است پرداخته و در صورت در برداشتن منافع تنها مواد و بخشهای لازم و قابل استفاده (برای اطلاع انسان درج میگردد و در صورت در بر داشتن زیان، مورد نقد و اعتراض ارگان سرمایه داران قرار میگیرد. در یادداشتها و یا مقالات اقتصادی بیشتر مسئله مرز بندی و هویدا ساختن حد و مرز قدرت اعضای وابسته به اتاق مطرح است و با لطمه به واکنش در برابر جریاناتی که همسو یا مخل چنین شرایطی

با شند پرداخته شده و موضعگیری در برابر آنان انعکاس مییابد. هفت ماهه بلحاظ برخورد - داری از قسمتهای مختلف از جمله قوانین و مقررات - نامه های رسیده و اطلاعیه ها و ... می توانند از وارد آمدن زیان به سرمایه داری جلوگیری نمایند مثلا در هر شماره قیمت انواع کالاهای فصل که بر روی بورس سود خواری قرار دارد! اعلام میگردد تا تجارت و سرمایه گذاری بر اساس آن پایه ریزی شود. به چند نمونه از میان انبوه چنین آثار قیمت دهی توجه کنید: قیمت صادراتی پسته - قیمت صادراتی انواع خرما - قیمت صادراتی بعضی اقلام خشکبار و قیمت صادراتی انواع برنج ... در قوانین و مقررات نیز مسائل زیر مورد تاکید قرار میگیرد: نظیر "ورود و ترخیص کالا بدون انتقال ارز - مجوز استفاده از معافیت سود بازرگانی - اجازه ورود شیرآلات - ورود و خروج مسافرین و معافیت های گمرکی - کالاهای قابل ورود در مقابل صادرات - موافقت کلی وزارت صنایع سنگین با ورود کالا - آئین نامه تلویزیون رنگی مشمول پرداخت ما به التفاوت نیست و ...

در قسمت "اطلاعیه ها" نیز آدرس سرمایه داران و شرکتهای آلمانی و انگلیسی - ایتالیایی و ... جهت معامله منتشر میگردد حتی خیر مربوط به معامله کارمند و مستشار خارجی برای واحدهای صنعتی! همچنین هفته نامه زیاد - داشتهای سرمقاله، مقالات اقتصادی و بحث و نظر گرفته تا نامه های رسیده و ... به اظهار نظر و حمایت یا اعتراض در مقابل اقداماتی که مغایر با مفاد با منافع سرمایه داران است میپردازد که نمونه های

آن را میتوانید در شماره های مختلف هفته نامه مطالعه کنید. * تبلیغات بخش دیگری از فعالیت های هفته نامه را در بر میگیرد که شامل مسائل گوناگونی میباشند و تلاش فراوانی در مسیر بزرگ کردن رئیس اتاق بازرگانی و نیز اعضای اتاق صورت میپذیرد مثلا کلیه مسافرتها، دیدارها و مذاکرات و سخنرانیهایش درج میگردد و به اعضای اتاق نیز القابی نظیر "جها دگران اقتصاد کشور"، "خداجویان حق طلب" و نیز "ستارگان آسمان اقتصاد اسلامی" و ... لقب داده میشود! علاوه بر تبلیغات فوق در جای جای هفته نامه و در اجلاسها که امکان آن فراهم باشد سرمایه داران مورد ستایش و تمجید قرار میگیرند بخش دیگری از تبلیغات هفته نامه - ها که دم خروس کاملاً از آن بیرون میزند به قسمت "بازار ایثار" مربوط میشود در این صفحات عکس و شرح زندگانی قربانیان جنگ که یا فرزندان و یا حتی منسوبین (به اعضای اتاق میباشند درج میگردد (حتی اگر صاحب مشاغل غیر تجاری و بازاری نیز باشند!) که بلحاظ خویشاوندی با بازاریان قالب "بازار ایثار" میخورند و این خود اقدام تزویری و فریب کهنی است که سرمایه داری با نحاء گوناگون بدان توسل میجوید و از دیگران برای سود خود نفع میگیرد!

* * * * * اتاق بازرگانی مرکز تجمع شیاطین با اصطلاح خوش خط و خال است شما رگری است که با همیاری دولت ارتجاع خون مردم محروم ما را به شیشه میکشند و با رنجور ساختن آنها به لبریز نمودن حسابهای بانکی و گاو صندوقهای رذالت و بهره کشی میپردازند. مبارزه شورانگیز و خستگی ناپذیر بر علیه ارتجاع

تنها راه محواست شما روبهه کشی آنان و بارمغان آوردن آزادی و عدالت و برابری میباشد که تنها اراده خدشنا پذیرنسل انقلابی و ستیزه جویر علییه ارتجاع قادر به تحقق آن خواهد بود.

* * * * *

پا و رقیبها:

- =====
- ۱- اشاره به موضوع برادر "خاموشی" که پس از احتکار و کلاه برداری کلان به زندان و پرداخت جریمه نقدی محکوم شد و مورد عفو خمینی قرار گرفت و با برادر عسکرا ولادی که پس از چپا و لگری و غارت و دزدی و خوش خدمتیهای کلان از سمت وزارت بازرگانی استعفاء داد.
 - ۲- هفته نامه اتاق بازرگانی شماره ۱۳
 - ۳- رجوع کنید به هفته نامه های اتاق بازرگانی، قسمت "اخبار اطاق".
 - ۴- هفته نامه اتاق بازرگانی شماره ۱۶
 - ۵- هفته نامه اتاق بازرگانی شماره ۱۸
 - ۶- یک نکته مضحک نیز به ما نور حضرات در رابطه با برآورده ساختن خرج جنگ بود.

رئیس اتاق مشهد مدعی شد: "اگر شروت مندی که شروت مشروعی هم دارد چند میلیارداز این شروت پاک و مشروع خودش را بذل کند برای جبهه های مبارز برای گرفتاریهای دولت ما، بجای هست ... هیچ کس کتمان نمیکند که بزرگترین تدارک این جنگ تحمیلی به وسیله بخش خصوصی انجام گرفته اگر ما ارتش بزرگ و دلار و شریف را بخش خصوصی حساب کنیم که هست! بزرگترین بار جنگ را در زمینه بذل جان و خون را بخش خصوصی انجام داده!"



بقیه از صفحه ۲۱

مسائل مبارزاتی را در دیدی واقع بینانه بنگرد و بر همین اساس عناصر و افراد هسته و روحیات و انگیزه های مبارزاتی آنان را برای یک حرکت دراز مدت مبارزاتی آماده و تربیت کند.

* مردم دوستی و عشق به خلق و خشم به خصم که انگیزه زای درون جوش مستمر عناصر انقلابی و موحد است، از استلزامات دیگر خطدهی و رهبری یک هسته است.

در نظر داشتن مستمر اهداف و آرمانهای انقلاب و مبارزه و مردم دوستی و عشق به توده های محروم خلق و برخورداری از قلبی مالامال از محبت و عطف و به زحمت کشان و مملو از خشم و کینه بی پایان و آشتی ناپذیر نسبت به دشمنان خلق، زورور و تزویران و ویژگیهای جدانا - پذیر هر عنصر انقلابی و بویژه مسئول یک هسته است.

مسئول هسته باید بصورت ذاتی فردی آزادبخواه بوده و دمکرات منشی و سعه صدر در وجود و احساس او جای گرفته باشد. مسئول هسته باید به نایب بودن طبقات و محو اختناق از بین رفتن ستم و تبعیض، استبداد و استثمای مافیائی را سخ و جلودان داشته باشد، ایمانی که از ایدئولوژی توحیدی و رثالیستی - اش، عینیت مردم و جامعیتش و بلاخص از متن پوی اجتماع و عمل مبارزاتی و زندگانی سراسرنج و اضطراب و تلاش و خطر نشات گرفته باشد.

* * * * *

یک تذکر ضروری که طرح آن الزامی است اینکه ویژگیها و خصایصی که برای مسئول هسته ذکر شد، مسئله ای ناگهانی و مادرزادی نیست، و هر فرد میتواند در متن عمل و در پرتو آموزشهای تشکیلاتی بدان دست یابد.

بقیه در صفحه ۲۰

بقیه از صفحه ۱۴

بود.

۴- صورت جلسات دقیق! ملاقاتهای معاونین اوزراء و استانداران و مدیران کل وزارتخانهها با مقامات و دیپلماتهای خارجی برای وزیر متبوع ارسال میگردد و موارد مهم که با مصالح سیاسی و اقتصادی کشور مرتبط باشد، الزاما به وزارت امور خارجه منعکس خواهد شد تا ضمن استفاده، موضوع را بر حسب مورد بردستگای ذیربط ارسال نماید.

۵- هرنوع بازدید و ترددات تباع خارجی از تاسیسات اقتصادی و موسسات دستگای دولتی ممنوع است مگر با اجازه وزارت اطلاعات.

کارشناسان و کارمندان شرکتهای خارجی مجری طرح تا پایان ماه موریت و اتباع خارجی که اجازه اشتغال دارند، محدود و مجوز اشتغال و افرادی که برای همکاریهای اقتصادی و فنی به ایران دعوت میشوند در حد برنامه ارائه شده برای صدور ویزا باید اخذ اجازه وزارت اطلاعات موضوع ایمنی بنا را بشمارند.

۶- وزارت امور خارجه ملزم است تمهیداتی اتخاذ نماید تا کلیه تماسهای سفارتخانههای کشورهای خارجی با شخصیتهای سیاسی، اجرائی، نظامی و مذهبی! کشور از طریق آن وزارت صورت پذیرد. وزارت مذکور با همکاری وزارت اطلاعات اِذراعمال این نظارت حداکثر سختگیری! خواهد نمود!!

۷- تماس و ملاقات کارمندان دولت با دیپلماتهای خارجی در سطوح پایینتر از روسای ادارات و همپراز آنان ممنوع است لکن حضور کارمندان در جلسات ملاقات با اجازه مقامات ملاقاتکننده بیلامانع میباشد.

۸- ملاقات رسمی با دیپلماتهای خارجی حداقل با حضور دونفر ایرانی (!) برگزار میشود که یک نفر برای تهیه گزارش دقیق! مذاکرات شرکت خواهد نمود. گزارش ملاقاتهای غیررسمی حداکثر ظرف ۱۰ روز بوسیله ملاقاتکننده به وزارت امور خارجه ارائه خواهد شد.

۹- مقامات ملاقاتکننده بجز در تعارفات اولیه ما بقی مذاکرات را در دیدارهای رسمی باید به زبان فارسی انجام دهند.



مستند است که در مورد ویزا و اقدامات ورودی و خروجی از کشور، دستور مشخص است و بدینسان از بدین جهت است که با رعایت مقررات وزارت امور خارجه و در خصوص اوراق ورودی و خروجی کشور، وزارت امور خارجه در این زمینه اقدامات لازم را نموده و در این خصوص به وزارت امور خارجه اطلاع داده است. در این خصوص به وزارت امور خارجه اطلاع داده است. در این خصوص به وزارت امور خارجه اطلاع داده است.



مستند است که در مورد ویزا و اقدامات ورودی و خروجی از کشور، دستور مشخص است و بدینسان از بدین جهت است که با رعایت مقررات وزارت امور خارجه و در خصوص اوراق ورودی و خروجی کشور، وزارت امور خارجه در این زمینه اقدامات لازم را نموده و در این خصوص به وزارت امور خارجه اطلاع داده است. در این خصوص به وزارت امور خارجه اطلاع داده است.

۱۰- ملاقات رسمی با اعضاء سفارتخانهها و دیپلماتهای خارجی از مراکز رسمی! ممنوع میباشد.

۱۱- شرکت در میهمانیهای سفارتخانههای خارجی و دعوت از دیپلماتها و مقامات خارجی برای دیدار از ایران بمناسبتهای مختلف باید از طریق وزارت امور خارجه انجام پذیرد.

۱۲- کلیه مسئولینی که از اتباع بیگانه هدایائی بپذیرند! باید مراتب را به مقام مافوق خود کتبا گزارش نمایند!

۱۳- قبول دعوت سفارتخانهها و شرکتهای خارجی برای انجام سفر به کشورهای دیگر خارج از وظایف محوله ممنوع است!

۱۴- تماس با وزارتخانهها جهت تسهیل انجام تشریفات توسط ماموریین مشخص! انجام میشود که صلاحیت آنان! توسط وزارت اطلاعات تأیید و بسته وزارت امور خارجه معرفی! کردند.

این بخشنامه به جایگزین بخشنامه شماره ۱۳۶۴/۷/۲۲ مورخ ۱۳۶۴/۷/۲۲ میگردد.

"میرحسین موسوی نخست وزیر"

مستند است که در مورد ویزا و اقدامات ورودی و خروجی از کشور، دستور مشخص است و بدینسان از بدین جهت است که با رعایت مقررات وزارت امور خارجه و در خصوص اوراق ورودی و خروجی کشور، وزارت امور خارجه در این زمینه اقدامات لازم را نموده و در این خصوص به وزارت امور خارجه اطلاع داده است. در این خصوص به وزارت امور خارجه اطلاع داده است.

مستند است که در مورد ویزا و اقدامات ورودی و خروجی از کشور، دستور مشخص است و بدینسان از بدین جهت است که با رعایت مقررات وزارت امور خارجه و در خصوص اوراق ورودی و خروجی کشور، وزارت امور خارجه در این زمینه اقدامات لازم را نموده و در این خصوص به وزارت امور خارجه اطلاع داده است. در این خصوص به وزارت امور خارجه اطلاع داده است.

همچنین در طی همین هنگام وطنی بخشنا مه دیگری (با شماره ۳۱۹-۳۱-۲۳ م) نخست وزیر رژیم سرکوب و تزوییر ارتجاع طی بخشنامه ای به کلیه وزارتخانهها، سازمانها، موسسات دولتی و نهادهای رژیم اعلام میدارد: نظربه اینکه هیاتهای اعزامی به خارج از کشور بعنوان نمایندگان جمهوری اسلامی ایران تلقی میشوند بقیه در صفحه ۲۴

شعله جنگ مذهب علیه مذهب را در سیستم حقوقی برالوروزیم (۵)

پایان نبوت بیانگر رسمیت شناختن عقل

پیشنیاز:

در مقالات گذشته بمسئله
محوری به این مطالب پرداختیم:
* ضرورت و بنیاد ایدئولوژی -
سیاسی کنونی به برافروختن
جنگ مذهب علیه مذهب در سیستم
حقوقی. * آوردن بیک سیستم
کلیشه‌ای اجرائی حقوقی هیچ
جایگاهی در رسالت انبیاء
نداشته است. در رابطه با احکام
، رسالت انبیاء نه آوردن یک
سیستم حقوقی، بلکه دادن "جهت"
میباشد. * براین اساس سیستم
حقوقی که از سوی انبیاء مطرح
شده، سیستمی "مرحله‌ای - منطقه‌ای"
بوده است. * سیستم مرحله‌ای
- منطقه‌ای انبیاء ماهیتی
را دیگال و مترقی و انقلابی و
انسانی داشته است. * کلیت
، اجمال و بویژه محدودیت و کمی
شده آیات احکام در قرآن
بیانگر این نکته است که انبیاء
رسالت را نه یک سیستم حقوقی
ابدالدهری نداشته‌اند.

* در این مقاله به این نکته
پرداخته شده که پایان نبوت
بیانگر رسمیت شناختن عقل
است و تکیه و تاکید قرآن بر
عقل و اندیشه و تدبیر و... گواه
مهم این مسئله است.

دکتر اقبال لاهوری:

"پیغمبر اسلام میان جهان
قدیم و جهان جدید ایستاده
است تا آنجا که به منبع الهام
وی مربوط میشود به جهان قدیم
تعلق دارد، آنجا که پای روح
الهام وی در کار آید، متعلق
به جهان جدید است. زندگی
دروی منابع دیگری از معرفت
را اکتشاف میکند که شایسته
خط سیر جدید آن است. ظهور
و ولادت اسلام، ظهور و ولادت

عقل برهانی استقرایی است.
رسالت با ظهور اسلام در نتیجه
اکتشاف ضرورت پایان یافتن
خود رسالت پایان نبوت، به
حد کمال میرسد، و این خود
مستلزم دریافت هوشمندان
این امر است که زندگی نمی
تواند پیوسته در مرحله کودکی
ورهبری شدن از خارج با قسی
بماند، الفای کاهنی و سلطنت
میراثی در اسلام - توجه دائمی
به عقل و تجربه در قرآن و اهمیت
که این کتاب به طبیعت و تاریخ
بمعنای منابع معرفت بشری
میدهد، همه سیماهای مختلف
اندیشه‌های واحد ختم دوره
رسالت است... (احیای فکر
دینی صفحه ۱۴۶).

مطهری توجیه‌گر آخوندیسلم
حوزه‌ای: "اقبال لاهوری در
توجیه و تفسیر ختم نبوت سخت
دچار اشتباه شده است" (وحی و
نبوت صفحه ۵۲).

در ابتدای سخن جنگ مذهب
علیه مذهب را در تحلیل مسئله
بنیادی مفهوم و فلسفه پایان
نبوت برافروختیم! اما ما در
گرم‌گیری از این شعله مقدس
نه بر تمامی جوانب و ابعاد
مسئله - که خود در سه‌ای بزرگ و
بن بست شکنی را آموزش میدهد
بلکه تنها از دیدگاه موضوع این
سلسله مقالات، یعنی از دیدگاه
حقوقی به مسئله بنگریم.

مسئله اصلی و بنیادی
کنکاش، تحلیل و پاسخ دادن به
این سؤال است که چرا نبوت
و ضرورت این ارتباط دو جانبه
به پایان رسیده است؟ و در این
پدیده چه در سه و رهنمودهای
را هگشایی، که چهره ایدئولوژی
و برداشت ما از اسلام را در گگون
می‌آزد، نهفته است؟

تحلیل همه در سه‌ای این
پدیده بنیادی را به خود
دوستان، و فرصتهایی دیگر
و امیگذاریم، در اینجا از
دیدگاه خاصی که در مقالات به
دنبال آن بودیم به دیدگاه
فوق مینگریم.

پایان نبوت، نبوتی که
رسالت آموزش و خطدهی و جهت
نمایشی برای بشریت بسوی
آگاهی و شعور و یک زندگی برتر
و سرشار از انسانیت و شرافت،
آزادی و عدالت را بر دوش
داشت - آشکارا بیانگر این
نکته است که دوران کودکی و
نیازمندی به هدایتی خاص، و
راه رفتن با کمک گیری از دستان
پر مهر پناهی بزرگ به پایان
رسیده و اینک انسان به بلوغ
عقلی دست یافته، خود راه رفتن
آموخته و یک زندگی متکی بر
عقل، دست و پا، اراده و نیساز
خویش را آغاز کرده است. در این
حیات او میفهمد، راه میرود و
زندگی میکند، زمین میخورد،
اما دوباره بر میخیزد، تجربه
میا موزد و به پیش میرود. هر
چند در سه‌ای آن پناه، که
شعوری فرا تر و بالاتر، و مطلق -
ترین شعور هستی است همیشه
بصورت نمایش و رهنمودهای
کلی جهت نما در گوش زنگ
میزند... "۱".

با پایان نبوت بشریت وارد
دنیا شای نوین میشود و محمد
در میان این دود دنیا ایستاده
است. در دنیای نوین بشریت
با چشم خویش مینگرد و با عقل
خویش میاندیشد و به نیازهایش
پاسخ میدهد (هما نگونه که با
عقل خویش در اسلام میاندیشد و
تفسیر و تعبیرش میکند) و یکی از
نیازهای او در حرکت اجتماعی‌اش

طراحی سیستمهای حقوقی
برای حل معضلات و مشکلات
حقوقی جامعه‌اش میباشد.
در این راستا بخوبی
میتوان دریافت که پس از
پایان نبوت عقل و تدبیر بشری
محور میگردد تا اقتصاد، سیاست
اجتماع، حقوق و... جامعه‌اش،
شیوه زندگی و حتی راهها و کوره
راههای معالجه عبور تکامل
وجودی خویش را بازشناسد، حل
کند و بپیماید.

"مسلمان" بودن او در اینجا
بیانگر این مفهوم است که وی
بنا بر رهنمودهای همین مکتب
تمامی عرصه‌های فکری و عملی
، اجتماعی و انسانی اش را ریشه
و مبنایی عقلی، نه تقلیدی و
ارشی، دهد. از هرگونه کورکورانه
اطاعت کردن و از زیر یوغ جهل
و ستم و استبدادی که یک نفر
بجای همه میاندیشد و تصمیم
میگیرد، بگریزد و بستیزد و
نیز به این معناست که او در این
پویش مستمر و خود کفا - که
اندیشه و زندگی اش را میسازد -
چشم خویش را نیز از راه شیری‌ای
که بصورت نورانی در فرازشش
قرار دارد، و پیکان و جهت
نمایشی که در کلیت یک فلسف
خلاصه شده است، آماره مینماید
و از بیراهه و دره پرهیز میدهد،
برنگیرد و ماشینی متحرک
جامعه و وجودش را - که خود
را ندانگی میکند - برای این
جانهای بی انتهای به پیش برد.
پایان نبوت یعنی رسمیت
شناختن عقل و اندیشه، تدبیر و
تفکر بشری همانگونه که دکتر
اقبال لاهوری نیز گفته است:
"پیا میرا سلام میان جهان
قدیم و جهان جدید ایستاده

است... و آنجا که پای "روح الهام" (روح مکتب) اودرکار میاید، متعلق به جهان جدید است. در این دیدگاه است که مفهوم، عمق و تکیه و تاکید مکرر قرآن بر تعقل و تدبیر، روشن و روشنی تر میشود. قرآن - متن کلاسیک آخرین پیام - بیش از همه پیا پیا و پیا پیا بر عقل و تدبیر و اندیشه تاکید و تکرار کرده است. قرآن مملو از سفارش و توجیه و تاکید مکرر بر اندیشیدن - عقل و تدبیر... است. و این نکته که شیوه ای که قرآن مرتباً بر آن تکیه میکند، بکار میبندد و سفارش و توجیه اش میکند، شیوه تجربی و عقلی است، نیز دیدگی - آنچنان تحلیل و تکرار شده و از سوی متفکرین اسلامی باز شده که نیازی به تکرار آن نیست. این مسئله تا آنجا بوده که دکترین اقبال یکی از عوامل رنسانس غرب را اتخاذ شیوه تجربی از مسلمانان و اسلام (بویژه در طی جنگهای صلیبی) میدانند و صفاتی چند پیرامون آن بحث میکنند (احیای فکر دینی صفحه ۱۴۷ تا ۱۶۶)

چرا این همه تاکید بر تعقل و تدبیر در اسلام و قرآن وجود دارد؟ پایان نبوت ایجاب میکرد که بر سمیت شناخته شدن منبعیت عقل با رها و بارها در متن پیام گنجانده شده و تاکید گردد. احادیث نبوی و دیگر رهبران بزرگ ایدئولوژی توحیدی نیز مملو از این تاکید بر علم و آگاهی - ضرورت کسب آن - ضرورت عمل بر اساس آن و... میباشد.

اما حوزه این تعقل و تدبیر و بکارگیری علم چه اندازه است؟ در دیدگاه تنگ و تاریک آخوندیسم تعقل و تدبیر یعنی فقط تعقل و تدبیر در قرآن، یا در اعمال احکامی ریز ("اصول عملیه" - که در کتب بهای اصول فقه بحث را کرده اند) و این جزیک "عقل مورچه ای" بیش نیست. در قرآن بکارگیری عقل و تدبیر بصورت عام و فراگیر، نه خاص و محدود آمده و این خود بیانگر بر سمیت شناختن عقل بشری است، نه اینکه مطرح شده باشد فقط در قرآن بیندیشید، در احادیث تدبیر کنید و تا ابد الهرمه فرمولهای زندگی از توالست رفتن انا حکومت کردن را دریابید بکارگیری عقل دایره ای وسیع در حد تمامی زندگی، اندیشه و تکامل اجتماعی و فردی دارد و حقوق و سیستم حقوقی نیز در همین مجموعه میگنجد. پس در مجموع با در نظرگیری پایان نبوت و تاکید مکرر قرآن و اسلام بر عقل و تدبیر و اندیشه و امانت بخشیدن به آن، در دایره حقوق برایمان تبیین میشود که سیستم حقوقی مورد نظر اسلام، یک سیستم ثابت و فیکس نیست، بلکه سیستمی سیال و متحرک است که با توجه به جهت نمائی های کلی و راه - گشای قرآنی و توحیدی، در هر زمان، و در هر جا معبر اساس شرایط و ویژگیهای مخصوص فرهنگی، اجتماعی، طبقاتی، نژادی، جغرافیایی و... ترسیم و برای مدتی که جهت گیری و همگونی اش با محتواها و جهت نمائی کلی توحیدی، و عقل و اندیشه، را در متن عمل و آزمایش نشان داد و کارآیی اش را در

حل معضلات حقوقی نگه داشت، حاکم و برقرار میگردد و بسا تغییر شرایط، و از دست دادن کارآیی اش، و یا با دستیابی به سیستمی کارآتر و موثر تر بر اساس عقل و تجربه، که رهنمود های تربیتی و اجتماعی توحیدی را بهتر و کارآمدتر عملی میساخت، کنار گذاشته شده و سیستم نوین جایگزین میگردد و با استدلالهای منطقی و توحیدی که تا کنون وطی این سلسله مقالات مطرح شد نیز آشکار است که این دیدگاه و موضع از متن مکتب، از عمق اصول آن استنتاج شده و بر آمده است، دیدگاهی که خود مکتب بیانگر و معرفی و مبلغ آن بوده این دیدگاه شمره تلاشی است که اقبال اینچنین پیش بینی آنرا کرده و خود نیز در مسیر آن گام زده است:

"آزادگی روح اسلام علیرغم محافظه کاری شدید فقیهان و آخوندها، با پیداشدن زندگی جدید ناچاراً خود را خواهد کرد. ... بدبختانه جا مع مسلمانان محافظه کار این سرزمین هنوز آماده اقدام به بحث نقادانه در فقه نیست و اگر به چنین کاری اقدام شود مایه ناراحتی بسیاری خواهد شد" (ص ۱۸۸)

"ادعای نسل جدید مسلمانان پیرو آزادگیری به اینکه میخواهند اصول حقوقی اسلام را در پرتو تجربه خود و اوضاع جدید زندگی از نو تفسیر کنند، به عقیده من ادعای کاملاً برحقی است. تعلیم قرآن به اینکه زندگی فرآیند آفرینش تدریجی است (دقت کنید) بالضرورة مستلزم آن است که

هر نسل به راه نمائی و نه در زیر قید و بند کارهای گذشتگان مجاز باشد که مسائل و دشواری های مخصوص بخود را حل کند" (ص ۱۹۲)

"چون به این فکر اساسی اسلام توجه کنیم که پس از این دیگر روحی ای نخواهد رسید که مایه محدودیت آدمی شود (منظور اقبال چارچوب وحد و حدود قائل شدن توسط یک عامل بیرونی است) بایستی که ما از لحاظ روحی آزادتری - مردمان روی زمین باشیم، مسلمانان نخستین که تازه از زیر اسارت مردم آسیای پیش از اسلام بیرون آمده بودند در وضعی نبودند که به اهمیت این فکر اساسی متوجه شوند. بسیار شایسته است که مسلمانان امروز وضع خود را با شناس و زندگی اجتماعی خود را در روشنی اصول اساسی بنا کنند و از هدف اسلام که تا کنون بصورتی جزئی آشکار شده، آن دموکراسی روحی را که غرض نهایی اسلام است بیرون بیاورند و به کامل کردن و گسترانیدن آن بپردازند" (ص ۲۰۴)

بر خورد آخوندیسم با

این پدیده

هماگونه که آخوندیسم تاکید قرآن بر عقل و تدبیر را در دلانهای تنگ و تاریک پیشش - اش محدود به تعقل و تدبیر در قرآن و حدیث (که خود حتی به آن نیز عمل نکرده) و در تشخیص نجس و پاک (رجوع کنید به فصل اصول عمده در کاربرد عقل در تمامی کتب اصول فقه ارتجاع در حوزه) کرده است

تیزها و دگترینهای انقلابی شریعتی "مذهب همدنی - مذهب عملیه مذهب - تشیع علوی و تشیع صفوی - اسلام منهای آخوند و... را توده های کنیم.

پایان نبوت، این مسئله اساسی اسلام" (بقول دکتر اقبال) را نیز بشکل دگم و مضحکی تفسیر کرده است، چرا که تفسیر اصولی این اصل تمامی رشته های فقه ضد خلقی را پهنه میکند و بنیاد آخوندیسم را بشکلی ایدئولوژیک در تمامی تاریخ میزند!

مطهری توجیه گرا آخوندیسم و "فارسی نویسی" حوزه ها فلسفه پایان نبوت را اینگونه تحلیل میکند:

"بشردوره های پیشین مانند کودک مکتبی بوده است که کتابی که بدستش برآی خواندن میدهند پس از چند روز پاره پاره میکنند! و بشر دوره اسلامی مانند یک عالم بزرگسال است که با همه مراجعات مکرری که به کتاب های خود میکند آنها را در نهایت دقت حفظ مینماید... دوره ای که از آن به بعد بشر تاریخ و آثار خود را بطور منظم و نسل به نسل حفظ کرده و تحویل نسل بعد داده مقارن ظهور اسلام است (ختم نبوت ص ۴۹).

"برای کدامیک از کتاب آسمانی به اندازه قرآن کار شده است؟! نحوه صرف دستور زبان تدوین و... هزارها تفسیر و مفسر حوزه های تفسیر و یا چرا برای تورات و انجیل و اوستا چنین فعالیتهائی نشد؟ آیا خود این دلیل بر رشد و بلوغ بشریت و قیام است و برای حفظ و تعلیم و تبلیغ کتاب آسمانی نیست؟ (ص ۴۹)

طلوع و ظهور علم و رسیدن بشر به حدی که خود حافظ و داعی و مبلغ دین آسمانی خود باشد خواه ناخواه به نبوت تبلیغی خاتمه داد از این رو است که پیغمبر اکرم علمای این امت را همدوش انبیاء بنی اسرائیل یا برتر از آنها می شمارد (ص ۵۱) "بشره ایم بعلمت عدم رشد و عدم بلوغ فکری قادر به حفظ

کتاب آسمانی خود نبود، معمولاً کتاب آسمانی مسود تحریر و تبدیل فرار می گرفت و یا به کلی از بین میرفت از اینرو لازم میشد که این پیام تجدید شود زمان نزول قرآن مقارن است با دوره ای که بشریت کودکی خود را طی کرده، و لذا در آخرین کتاب مقدس آسمانی یعنی قرآن تحریری... (ص ۴۸ وحی و نبوت).

خلاصه در دیدگاه آخوندیسم پایان نبوت نه بمعنای به رسمیت شناختن عقل و برای توجه و طرح و برنامهریزی، بلکه بدین خاطر است که بشر با عاقل تر شدن میتواند کتابش را حفظ کند! و روی لغات آن و صرف و نحو و تفسیر و... کار کند و از توالی رفتن تا حکومت کردن را تا ابد الهزار آن بیاورد، و اقتصاد و سیاست و حقوق و... نیز همه در همیسن دالان تنگ میکند!

"بشریت با پایان نبوت فهمیده تر شده و کتابش را پاره نمیکند!، حافظه اش قوی شده و میتواند همه برنامه هایش را یکجا تحویل بگیرد و استفاده نماید!" (ص ۵۱ وحی و نبوت)، و اینقدر بالغ شده که میتوان اجازه "ترویج و تبلیغ و اقدامه دین" (ص ۵۱) را با ترس و لرز بدهد و گذاشت و ما شاء الله اینقدر رشد فکری دارد که این کتابها را از رو بخواند و "تفسیر و توجیه!" (ص ۵۱) و در هر جا (از توالی تا کره زمین) پیدا کند، و اقبال در تفسیر وحی و فلسفه ختم نبوت "سخت دجا را شتابه" شده است (ص ۵۲)، "این فلسفه مخدوش و بسیاری از اصول آن نادرست است" (ص ۵۶)، "توجیه اشتباه آمیز از ختم نبوت (ص ۵۹) است" و بدون شک اینگونه تفسیر از ختم نبوت غلط است" (ص ۵۹)، مخدوش است" (ص ۶۲) و ما بعدا تحت عنوان معجزه ختمیه در باره اش بحث میکنیم (ص ۶۲)،

"و یکاش علامه اقبال... (ص ۶۴)، (و با نفهمیدن و اصلا گنجایش درک مفاهیم مطرح شده از سوی اقبال را نداشتن، ما با غرور علمی آخوندی!)؛ گویی علامه اقبال دچار همان اشتباهی شده است که جهان غرب شده، یعنی جا نشین ساختن علم بجای ایمان! البته اقبال سخت مخالف نظریه جا نشینی علم است (ص ۶۵)، (و با زبا همان غرور علمی آخوندی و انحصار طلبی دینی): "حقیقت اینست که اقبال با همه برجستگی و نبوغ و دلسوختگی برای اسلام در اثر اینکه فرهنگش غربی است (گویا فرهنگ خود حضرات یونانی نیست) و فرهنگ اسلامی (همان فلسفه یونانی و فقه طبقاتی!) فرهنگ ثانوی اوست، یعنی تحصیلانش همه در رشته های غربی است (و در جا مع المقدمات (مزخرفات!) که مقدمه ورود برای شناخت اسلام حوزه است منطق اسلامی نخواهد تا همه چیز را با منطق اسلامی بفهمد) و در فرهنگ اسلامی، مخصوصاً فقه و عرفان و اندکی فلسفه مطالعاتی دارد و پس! (و بشکله معلومات و قتلک سهم امام نشده) گاه دچار اشتباهات فاحش میشود... بهمین جهت مقایسه او با سید جمال الدین اسدآبادی صحیح نیست" (ص ۶۴)، "ادامه دارد..."

پا ورقی:

۱- البته او در این حیات مستقل هیچگاه بی نیاز به آن پناه بزرگ نیست، بعبارتی دیگر نبوت و وحی، شعور حاکم بر هستی که سخن گفتن خویش را در قرآن به پایان رسانده، راهنماها، نصایح و جهت نما - ثبهای ابدی و فلسفهای جانده نمای حرکت تکاملی اجتماعی و انسانی را، در کلیت خود بر توافکن حرکت و حیات او ساخته است، و با دیدگاهی

عمیق تر و بقول دکتر اقبال لاهوری: "البته) اندیشه خاتمیت را نباید به این معنا گرفت که سرنوشت نهایی زندگی جانشین شدن کامل عقل بجای احساس و عاطفه است، چنین چیزی نه ممکن است و نه مطلوب انسان در این زندگی مستقل که بلوغ و استقلالش از سوی خدا نیز بر سمیت شناخته شده، از آن پرتوها و درسهای رهنما و جهت ده همواره بعنوان کلهکشان که راه شیری بسوی کعبه آرزوهای دور و درازش را نشان میدهد، بهره میجوید او به قرآن و پیام محمد، اسلام، بعنوان پایان نبوت بعنوان راهنمایی، جهت نما مینگرد، اما راه رفتن و ایده آل های مشخص و مقید به زمان و مکان خویش را خود تعیین و تفسیر میکند، همانگونه که خود این پیام، قرآن را با عقل خویش میفهمد، تبیین و تفسیر میکند و با رشد و تکامل خویش به این برداشت و تلقی اش کمال میبخشد. (در مقاله بعد در تداوم با زوری دیدگاه انقلاب توحیدی - حقوقی که در این سلسله مقالات آموزشی - ایدئولوژیک مطرح شده، بحث پیرامون حقوق و رهبران شیعه و... مطرح گردیده است).

بقیه از صفحه ۱۶

بنا بر این وظیفه هر فرد آگاه، دردمند و انقلابی که انگیزه و توانمندیهای اولیه برای تشکیل یک هسته را در خود میبیند این است که سر بیا به شکل هسته دست زند و در ارتباط تشکیلاتی و در ظل آموزشهای که میبیند و در متن عمل مبارزاتی و ویژگیهای یاد شده را در خود ایجاد و تقویت نماید.

"ادامه دارد"

(در ادامه موظفان خاص مسئول هسته طرح شده است).

از سری آموزش‌های تشکیلاتی - مبارزاتی ویژگیها و وظایف اخص مسئول هسته (۱)

مسئول هسته کیست؟
وظیفه اش چیست؟

مسئول هسته بر بنا مریز ،
خط دهنده ، هماهنگ کننده و
رابط تشکیلاتی هسته میباشد ،
از اینرو نسبت به سایر اعضا
نقش محوری تر بر عهده دارد .
شیوه انتخاب مسئول هسته
معمولا دو گونه است :

الف - بعثت تحرک اجتماعی
و انگیزه های انقلابی - مبارز
اتی که فردی از آن برخوردار
است ، در پویش اجتماعی و عمل
مبارزاتی بطور طبیعی مسئول
هسته شده است . و اساسا هسته با
همت انقلابی او تشکل یافته و
به حرکت در آمده است .

ب - از طریق تشکیلات به
عنوان مسئول و رابط یک جمع
و هسته معرفی گردیده است .
در هر دو حال مسئول هسته
باید دارای ویژگیها و خصایصی
ویژه بوده و یا شدیداً سعی در کسب
آنها داشته باشد . در زیر بر سه
برخی ویژگیهای خاص مسئول
هسته اشاره میکنیم :

■ مسئول هسته تا حد امکان
باید یک مبارز حرفه ای باشد
تا از تحرک و حوزه فعالیت
گسترده تری برخوردار باشد .
البته مبارز حرفه ای بودن هیچ
تضادی با داشتن پوششهای
شغلی و خانوادگی و ... ندارد .
اما این ویژگی باعث میشود
تمامی این پوششها برای او
جنبه ظاهری و موقتی و نه ثابت

و پایدار داشته و به سادگی قابل
تغییر و انتقال باشد . یعنی
فرد میتواند بسادگی تضاد
هایش برای تغییر شغل یا محل
سکونت و ... را حل کرده و بدین
عمل نماید . این تذکرتی قابل
ذکر است که در مراحل اولیه
تشکل و تحرک هسته و قبل از رشد
مبارزاتی آن و یاد رسته هائی
که سطح و میزان کشش محدود و
مشخصی دارند الزامات نباید
مسئول هسته حرفه ای باشد .

■ مسئول هسته باید قدرت
مدیریت و بر بنا مریزی داشته
باشد . از اینرو برخوردارى از
تجربه عمل مبارزاتی و جویره
سابقه و تجربه کار و همکساری
جمعی و تشکیلاتی یک ضرورت
یک امتیاز مثبت برای افراد
جهت بر عهده گیری مسئولیت
یک هسته میباشد .

توانایی مدیریت و برنامه
ریزی و برخوردارى از تجربه
و سابقه کار تشکیلاتی مسئول
هسته از مهمترین پارامترهای
رشد و جهش مبارزاتی هر هسته
میباشد .

■ بعه پذیر و قیابیت و انعطاف
جوش خوردن با روحيات گوناگون
و توانائی ایجاد هماهنگی و
کنترل در بر بنا مریزها و بیسی
افراد مختلف هسته نیز دو
ویژگی محوری دیگر برای
پذیرش مسئولیت یک هسته
میباشد .

یک هسته از افرادی با
روحيات گوناگون و گرایشات
اجتماعی - طبقاتی گاه ناهگون

تشکیل شده است ، علاوه بر قدرت
بر بنا مریزی ، در مرحله عمل نیز
مسئول هسته باید بتواند با
روحيات گوناگون افراد ، که
عناصرا جبرای آن
تغییرات اساسیها هستند
جوش بخورد ،
تواند
با ایجاد هماهنگی در عمل (نه
تنها بر بنا مریزی در ذهن) و
کنترل و اشراف بر مریز و بس
هسته وظایف هسته را به پیش ببرد .
■ برخوردارى از قدرت
ابتکار و خلاقیت برای بر بنا مریز
ریزی ایجاد هماهنگی ، جمع -
بندی و پیشبرد هسته یکی دیگر
از ویژگیهای ضروری مسئول
هسته میباشد .

مسئول هسته که ارتباطی
مستقیم با عمل مبارزاتی
دارد و میتواند با بهره گیری
از ابتکار و خلاقیت در چاره ها و
تجارب نوی را در عرصه های
مختلف امنیتی (ایجاد پوشش -
جاسازی - محمل سازی و ...)
تبلیغاتی (نصب برجسب - شعار
نویسی - پخش تراکت و ...) -
تشکیلاتی (اطلاعات سوزانسی ،
مکانیسم رعایت اصل حداقل
اطلاعات و ... ، جلب امکانات
و کمکیهای مالی و تدارکاتی و
...) - انسانی (شیوه های حل
خصلتها ، مکانیسم دادن رشد
به افراد - شیوه های جوش
خوردن با روحيات گوناگون و
...) و ... بروی جنبش و مبارزه
بگشاید ، ضمن آنکه بکار گیری
اصول و تجارب موجود نیز در

متن عمل و در شرایط گوناگون
، خود محتاج برخوردارى از
تیزهوشی و ابتکار و خلاقیت
است .

■ قدرت تصمیم گیری از دیگر
ویژگیهای ضروری مسئول
هسته است . مسئول هسته باید
دارای استقلال و قاطعیت و
قدرت در تصمیم گیری باشد .

وی باید جوشکن نه جو پذیر
باشد تا بتواند از موضعی
بالا و مستقل و بدور از پارامتر
های ذهنی یا فرعی به متن و
بطن اساسی قضا یا بنگرد ، جمع
بندی کند ، بر بنا مریزی نماید
، مواضع را رفع کند و در مواقع
خطر با ایجاد تحرک هسته را از
دام تور پلیسی رژیم بر هاند .

■ برخوردارى نسبی از
توانمندیهای تئوریک (اید -
ثئوریک و تجارب مبارزاتی)
برای آموزش و رشد تئوریک و
آگاهیهای افراد و تشریح و
آموزش جزوات و مقالات آموزشی
و پاسخگویی به نیازهای فکری
افراد از خصیصه های ضروری
یک مسئول هسته است که باید
یا از آن برخوردار بوده و یا در
پی کسب آن باشد ، ارتباط و
آموزش تشکیلاتی نیز او را در
این رابطه یاری خواهد رساند .

■ برخوردارى از دیددراز
مدت مبارزاتی از دیگر
پارامترهای ضروری مسئول
هسته است .
این دید باعث میشود در
بر بنا مریزی - آموزش و عمل
بقیه در صفحه ۱۶

تشکیل هسته های رزمنده آگاهی بخش (هسته های مبارزاتی - مطالعاتی) در
دانشگاهها و محلات ، ادارات ، کارخانجات ، پادگانها و ... وظیفه خلقی و انقلابی
هنه آزادگان و دردمندان و گامی فراپیش در مسیر سازماندهی جنبش توده ای است .

بقیه از صفحه ۳

از همین روم برای تحقق بخشیدن به دوا آرمان انقلابی خویش یعنی "آزادی و عدالت" ضمن برخورداری از جهتگیری طبقاتی و ضد استثماری، با درک بنیانی و تاریخی و درک عمیقی که پیرامون ارتباط دیالکتیکی میان آزادی و عدالت داریم و بلحاظ ضمانتی که اینست و برای یکدیگر وجود میآوردند، استراتژی مبارزاتی "ضد استبدادی - ضد ارتجاعی" در مرحله حاضر را بمنظور تحقق آزادی و استراتژی "مبارزه از یکسو و عناصر آزادیخواه و روشنفکر جلوگیری بعمل میآورند و در صدد ایجاد شکاف و فاصله میان اقشار مردمی و کارگران از یکسو و عناصر آزادیخواه و روشنفکر از سوی دیگر میباشند.

تا با از میان بردن امکان هر نوع اتحاد و عمل و همکاری مبارزاتی میان این دو طبقه جامعه را بزیرانقیاد خویش درآورده و زمینه را برای حاکمیت دیکتاتوری و استعمار و بهره‌کشی‌شان فراهم آورند. اما خصم هرگز چنین توفیقی نیافته و نمیآید و دیربازود، و هر دوی آنان از دیگری سخن خواهند گفت. طبقاتی - اجتماعی در برهه پس از سرنگونی رژیم ارتجاع که جا معده در موقعیت دمکراتیک بسر میبرد" را برگزیده ایم. در کتاب "تبیین چه باید کردهای استراتژیک سیاسی طرح هندسی" هم به تعیین مرحله کنونی مبارزه که همان مبارزه ضد ارتجاعی با غلظت ضد استبدادی (مرحله آزادیخواه - هانه با جهتگیری عدالت -

طلبانه) پرداخته شده و وظایف عناصر موحد در آن مشخص گردیده و همچنین تداوم و تکامل مرحله بعد از مبارزه ملی و ضد استبدادی - یا همان "استراتژی مبارزه اجتماعی - طبقاتی" - ترسیم شده و در این مرحله است که جنبش توده‌ها باید موانع و سنگرهای بعدی جبهه ضد خلق را که اینک در درون مرزهای کشور و در متن و بطن روابط ظالمانه طبقاتی و سنتهای غلط اجتماعی متبلور است هدف گرفته و نشانه‌روند، شکست انتخاب خط مشی‌های این برهه از مبارزه استراتژیک طبقاتی و اجتماعی به ما هیت و موقعیت رژیم حاکم و توانمندی‌های تشکیلاتی نیروی انقلابی... بستگی خواهد داشت. با ثنوری و عملکردهای مبارزاتی همواره باید به

نگهداری از دوا آرمان انقلابی و بزرگ "آزادی و عدالت" به پردازیم و ضمن درک ارتباط دیالکتیکی و جدایی ناپذیر این دو مقوله هرگز اجازه نمیدهیم (و نباید بدهیم) اجازه داد (آزادی و لوبطور موقت قربانی شود و یا از برابری جدا گردد همچنانکه هیچ تلافی در زمینه برقراری عدالت قابل اغماض نیست چرا که هدف محوری مبارزه ما یعنی نفی ستم استثماری و نجات و رها نشی مردم - این قبله‌های انقلاب - را نابود میسازد.

پاورقیها:

- ۱- مجموعه آثار ۱ - صفحه ۷۸
- ۲- کتاب "گشتار عام" صفحات ۶۷ الی ۷۹ را حتما مطالعه کنید.

"خموشانه"

شهر خا موش من آن روح بهارانت کو؟
شور و شیدائی انبوه هزارانت کو؟
میخزد در درگ هر برگ تو خون با خزان
نکبت صبح دم و بوی بهارانت کو؟
کوی و با زارتو میدان سپاه دشمن،
شیهه اسب و هیاهوی سوارانت کو؟
زیر سرنیزه تا تا رچه حالی داری؟
دل پولادوش شیرشکا رانت کو؟
سوت و کورا است شب و میکده‌ها خا موشند،
نعره و عربده با ده گسارانت کو؟
چهره‌ها در هم و دلها همه بیگانه زهم
روزییوند صفای دل یا رانت کو؟
آسمانت همه جا، سقف یکی زندان است،
روشنای سحر این شب تا رانت کو؟

"شغیعی کدکنی"
۱۳۴۹ - تهران

بیابان موش

■ خود را بشناس، دشمن را بشناس، آنوقت شکست ناپذیر خواهی شد.
■ هدف مادر هر مرحله و بر خورد و در هر تماس باید مد نظر کامل قرار گیرد:
استتار ما در مقابل خانواده - عناصر دشمن - دوستان حاشیه‌ای (با دوستان تشکیلاتی، نمیتوانند یکسان باشد).
■ شهید خیابانی: "هرگز نباید به یاس و خستگی اعتقاد داشت، هرگز، حتی بخصوم وقتی که باز سنگین زندگی یک ملت از یک موی باریک آویزان میباشد.
■ هیچ خونی بناحق نمیریزد و هیچ مرگی اگر در راه حق باشد به نایب منجر نمیشود و هیچ فریادی اگر حلقوم، حلقوم حقیقت گویا شایه خا موشی نمیکراید. "شریعتی: معلم آزاده و دردمند"
■ درد و شکنجه هر قدر شدید باشد، زود میتواند فراموش بشود! و آنگاه سرافرازانه میشود از محبت دوراد و خلق، از محبت رفقای دربند یا آنها که در بیرون به مبارزه ادامه میدهند، نیرو گرفت، کینه خود را به دشمن افزود و ترک کرد و در همه جا به مبارزه ادامه داد...

توده‌ها بستر انقلابند آگاهی توده‌ها، زمینه ساز انقلاب



ویرانی و خرابی و آوارگی
بلعیدن سرمایه‌های ملی و
ویرانی اقتصاد کشور - کمبود
بودجه و گران‌ی و فقر و محرومیت
و بیکاری - داغ‌داری مادران و
پدران و یتیمی فرزندان و ...
آثار شوم جنگ برای مردم ما
و نعمتی برای ارتجاع جهت
توجیه استبداد و استثمار
و سازشکاری.

با تمام نیرو نقش
ویرانگر و ضد خلقی جنگ
را افشاء کنیم.

باطل السحر

دیگر این داس خموشی بان رنگار گرفت
بمعیت هر چه درو کردید آواز مرا
بار هم سیرت را ز پیش ،
می نالد ، آوارم .

هر چه در حقه جادو ، دارید
بدر آید که من

باطل السحر شمارا ، همگی ، می دانم ؛
سخنم ،

باطل السحر شماست . "شفیعی کدکنی"

تقویم امنیتی خرداد و تیسر:

زنان و مردان مبارز - رزمندگان هسته‌های آگاه هیئت :
در فعالیتهای انقلابی خود در روزهای ۱۵ خرداد - ۱۶ خرداد
(روز قدس) بهنگام تردد در حوالی محل سخنرانی مزدوران
رژیم و نماینده‌های مجلس در روزها و شبهای ماه رمضان - عید
فطر - در فعالیتهای تبلیغی خود در فاصله هجرت تا شهادت
معلم شریعتی - هفتم تیر و چند روز قبل و بعد از آن - ۳ خرداد
سالگرد حرکت مسلحانه مجاهدین هوشیاری امنیتی بیشتری
مبدول دارید .

"سربلند و موفق باشید"

تنها و تنها مسئولیتی که مادر فعال ما حرا حوثی‌هایی که موجود می‌آورند ، در قبال دشواریها ، در قبال
خطرها ، در قبال همه آن چیزی که وجود دارد ، و باید وجود داشته باشد ، (داریم ، این
است که) تا گریز از تحمل آنها هستیم ، (برای) هیچ تفکری و هیچ اندیشه
نوی وجود نداشته که همه سجنیها و دشواریها ، ظلمها ، بی انصافیها ،
اجحافها ، بهمتها ، مسخره بازیها و مسخره کردنها را
تحمل نکند و اینها در پیرامونش بوجود نیاید ، منتها
کسانی لیاقت این را ندارند که چنین مسئولیتی را انجام دهند ،
صبر به همان معنای اسلامی - خواهد کرد و به موفقیت مومن خواهند بود در
این راه هرفیتمی و لومرگ هم شده گامی پس نخواهند نشست .

"مجموعه آثار ۱۸ صفحه ۲۱۴"

بقیه از صفحه ۱۷

لذا مقتضی است کلیه دستگاہ‌های اجرائی و نهادهای انقلاب اسلامی ترتیبی اتخاذ فرمایند در اینگونه موارد صرفاً از وجود افرادی استفاده شود که از هر جهت مورد تأیید و زیربنا بالاترین مقام اجرائی دستگاہ‌ها و نهادهای ذیربط بوده و کارشناسان اعزامی از پذیرش میزبانی شرکتهای خارجی که برنامہ آن قبلاً به تأیید دستگاہ متبوعہ نرسیده باشد اکیداً خودداری نمایند. !!؟؟

طبیعی است مقامات ذیربط در قبال عملکرد و هیئت‌ها و کارشناسان اعزامی مسئولیت مستقیم! نخواهند داشت. میر حسین موسوی - نخست وزیر

رمضان شعله‌ای سوزان یورش برنده بر خصلتهاست. در این ماه با تقویت اراده انقلابی، خود را برای استمرار پیویش و مبارزه اجتماعی در سخت‌ترین شرایط و رشد و تکامل انسانی در تمام فرازونشیبها آماده سازیم.

موحدین هرگونه اعمال فشار و محدودیت بر گروه‌ها و اپوزیسیون مردمی ایران در خارج از کشور توسط ارتجاع داخلی و جهانی را محکوم میکنند. ایجاد فشار بر هر یک از گروه‌ها، اعمال فشار بر همه و بر جنبش است، که بصورت جمعی (سیاسی-تبلیغاتی)، در داخل و خارج باید آنرا افشا و در برابر این توطئه مقاومت نمود.

بی شک وظیفه‌مشی ما آگاه کردن توده‌های بالنده جوان به پلید بودن ارتجاع نیست، چه هم‌این را میدانند. بلکه عنصر محوری وظیفه‌مشی ما علاوه بر تعمیق و جهت‌دهی این آگاهی، این است که میباید توده‌های بالنده را به این مهم آشنا سازد که دوری از صحنه سیاست و انزوا طلبی اجتماعی نمیتواند سبب نجات از چنگال ارتجاع گردد بلکه این نوع برخورد، آئینده را سیاه‌تر میسازد. پس میباید با حضور در صحنه سیاسی بر ارتجاع یورش برد و حق غصب‌شده خویش را باز پس گرفت. مشی آگاهی موظف است این حقیقت را برای نیروی بالنده جوان ما جا بیندازد که وقتی فرصت طلبیها و شارلاتانهای سیاسی بعد از هرا انقلاب و جنبشی حاکم میشوند، عکس‌العمل ایمن حاکمیت عقب‌نشینی و انزوا طلبی نیست چه این کار ارتجاع را خون‌آشام‌تر میکند. بلکه باید در کنارت نیروهای پیشرو، با تمام قوا بر این فرصت طلبان یورش برد تا حق خود را گرفت. به عبارت ساده تر خط مشی آگاهی در شرایط فعلی میباید به جوانان پیام‌رسان باشد که به خود و نیروهای انقلابی اعتماد کند، و بدور از تقلید و اطاعت ناآگاهانه و بت پرستی با ملاک و آگاهی به میدان بیاید و ملاکها را در کنارت احساسها بکارگیرد و کار جنبش را به پیش برد. مشی آگاهی به اوشیوه - مراحل و اهداف هر مرحله از مبارزه را نیز خواهد آموخت.

با این آدرس از طریق آشنایان در خارج میتوانید با تماس بگیرید.

MOVAHEDE
B.P. 11
92340 BG LA REINE
FRANCE

دوستان انقلابی کمکهای مالی خود به موحدین انقلابی را در خارج از کشور به حساب بانکی زیرواریز کنید.

MOVAHEDE
BNP 100 AV GL LECLERC
92340 BG LA REINE, FRANCE
30004 - 00830 - 10000350 - 62

در پرتویک وظیفه انقلابی جهت ایجاد و گسترش کمکهای مالی
و امکاناتی بطور جدی کوشش باشیم